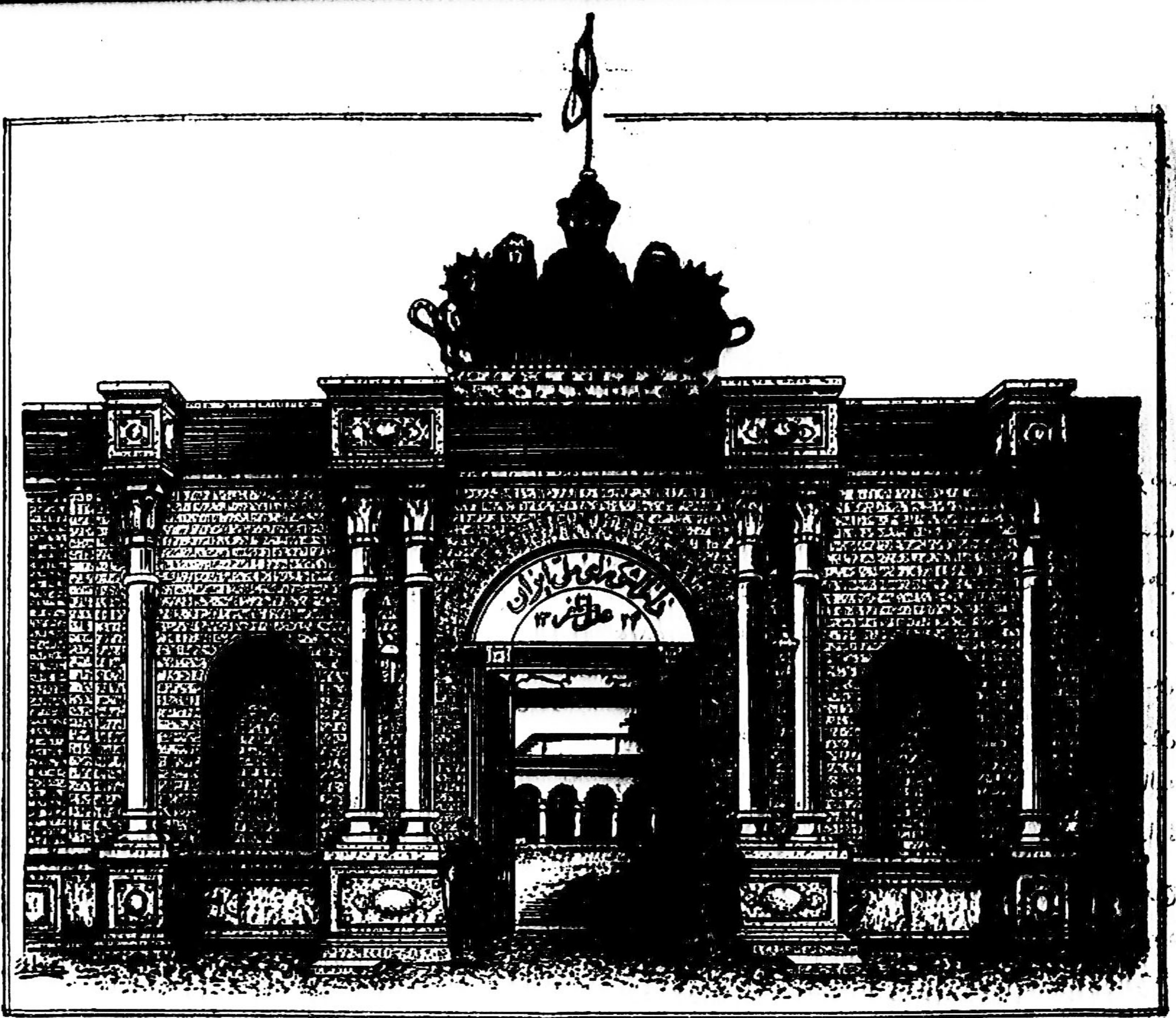


دوره ششم تقنینیه

جلسه ۲۰۸	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۱۷۳
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه شنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ شعبان المعظم ۱۳۴۶	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس	قیمت اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور و مذاکرات نسبت بخرق قوانین عدلیه راجع به ثبت اسناد و مرور زمان	۳۵۳۹	۳۵۶۷
۲	قانون ثبت عمومی املاک و مرور زمان	۳۵۶۸	۳۵۷۰



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس شنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ شعبان المعظم ۱۳۴۶

جلسه ۲۰۸

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان : دشتی - بحیبی خان زنگنه
غائبین بی اجازه جلسه قبل
آقایان : اسدی - اعظمی - نظام مافی - حاج شیخ

(مجلس دو ساعت نیم قبل از ظهر
براست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس یوم پنجشنبه نوزدهم
بهمن را آقای دولت شاهی قرائت نمودند)

بیات - حاج حسن آقا ملک - بی سلیمان - میرزا
 ابراهیم آشتیانی - میرزا حسن خان وثوق - محمود رضا
 حاج غلامحسین ملک - حقنویس - افخمی
 در آمدگان بی اجازه جلسه قبل
 آقایان : مرتضی قلی خان بیات - امام جمعه شیراز
 زوار - نجومی قوام شیرازی سلطان محمد خان عامری -
 زعیب -

رئیس - صورت مجلس ابرادی ندارد ؟
 (گفتند - خیر)

رئیس - قانون ثبت اسناد از ماده دوم مطرح است
 (ماده مزبور بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده دوم - عایدات حاصله از اجرای این قانون در
 درجه اول صرف توسعه ادارات ثبت و اضافه آن صرف
 توسعه تشکیلات قضائی مملکت خواهد شد
 رئیس - آقای فیروزآبادی

فیروز آبادی - بنده نمیدانم چرا يك ترتیبی پیش
 آمده است که در هر جائی که يك عایدی پیدا میشود
 يك محلی برایش معین میکنیم این ترتیب را بنده عقیده
 ندارم باید مالیه مملکت همه اش در یکجا تمرکز پیدا
 کند هر اداره که خرج دارد خرجش را بیاورد از
 مجلس و بگویند این اداره ده هزار تومان صد هزار تومان
 يك میلیون خرج دارد این را تصویب کنید بهر حال
 بنده با این ماده مخالفم و عقیده ندارم

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که اگر اوضاع
 ملکیتی خودمان را در نظر بگیریم بهترین ترتیبات این
 خواهد بود که هر عایداتی که پیدا میکنیم محل خرجش
 هم معین باشد مخصوصاً در این قسمت از نقطه نظر اینکه
 تشکیلات ثبت يك مخارجی دارد و اگر بجوایم این
 مطالب خوب پیش برود باید تشکیلات خیلی وسیع داشته
 باشد و بعد هم چون بستگی دارد با تشکیلات قضائی اگر
 آنچه هم از این راه عایدات پیدا شود ما صرف امور

قضائی کنیم گمان میکنم بهترین وسیله باشد از برای
 اینکه فکر خودمان را بتوانیم تعقیب کنیم و الا برود
 جزو عایدات ملکیتی بعد هم تقسیم شود بین وزارتخانهها
 و آنوقت بخواهند يك سهمی هم به اینجا بدهند کار
 لك میباشد و مصلحت نیست پس خوبست آقا موافقت
 بفرمایند که همینطور رفتار شود

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - بنده همانطور که آقای فیروزآبادی فرمودند
 باین ماده مخالفم برای اینکه مخالف با تمرکز عایدات است
 آقای وزیر عدلیه فرمودند که بهترین ترتیب این است که هر
 عایدی که پیدا میشود خرجش در مقابلش باشد در
 صورتیکه این اصول بالاخره تمرکز عایدات را از بین
 میبرد و بر خلاف ترتیبات قوانین جاریه است بهترین
 ترتیبات این است که هر عایدی که پیدا میشود در مالیه
 تمرکز پیدا کند و هر خرجی هم که برای هر اداره
 لازم میشود بیاورند در مجلس تصویب کنند بعد خرج
 کنند پس این عایدات که از این راه پیدا میشود میبرد
 جزو خزانه مملکت آقای وزیر عدلیه هر قدر برای
 توسعه ثبت املاک مخارج لازمشان بشود ممکن است پیشنهاد
 کنند مجلس و بعد از تصویب خرج کنند و ابدأ
 نقضی هم در تمرکز عایدات وارد نمیشود پس بهتر این است
 که آقای وزیر هم با این ترتیب موافقت بفرمایند که این
 ماده از بین رود

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم این اصل خیلی محرز است که
 مجلس شورای ملی مدتی است به این مسئله توجه دارد
 و تمام نمایندگان متوجهند که عایدات باید مرکزیت
 پیدا کند یعنی چه ؟ یعنی بيك صندوق وارد شود و
 مطابق اسناد خرج از بيك صندوق خارج شود این معنی
 مرکزیت عایدات است وقتی هم که اینجا در ماده دوم
 يك عایدی را تخصیص بيك خرجی میدهند این منافات
 با مرکزیت ندارد زیرا باز الا ان عوائد بعدلیه میبرد

بزمیکردد بخزانه منتهی خزانه به حساب عدلیه و به
 جناب توسعه تشکیلات عدلیه نگاهداری میکنند و این
 هم يك چیز تازه نیست شما بيك قسمت عوائد مهم دارید
 که نصف عایدات کل بودجه شما است و این عوائد
 انحصاری است که همین مجلس مخصوص کرده است
 بيك خرج معینی و هیچکس حق ندارد که به او دست
 بزند بيك حساب معین و بيك خرج معینی بحکم تصویب
 مجلس اختصاص داده شده است حالا هم اینجا بيك عوائدی
 از ثبت اسناد پیدا میشود اولاً مجبور است ثبت اسناد
 حساب علیحده داشته باشد چون دو بیست هزار تومان
 از مالیه قرض کرده است و مجبور است حساب علیحده
 داشته باشد که آن قرض را بپردازد . ثانیاً تشکیلات
 قضائی ما کاملاً فقیر است همه داد میزنند من جمله بنده
 اطلاعاتی که دارم این است که مثلاً تشکیلات قضائی
 فارس کم است و ناقص . وقتی که به وزیر مراجعه
 میکنیم میگویند محل ندارم پس بهتر این است که همین
 عوائد بحکم تصویب مجلس مخصوص بشود به تشکیلات
 قضائی و با تمرکز عایدات هم هیچ منافات ندارد تخصیص
 داده میشود به تشکیلات قضائی و وارد خزانه میشود
 منتها بحساب عدلیه و بنده گمان میکنم که منافات هم نداشته باشد

رئیس - آقای استرآبادی

استرآبادی - بنده در ماده سوم عریضی دارم

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - بنده کاملاً موافقم با اینکه هر قانونی که
 بيك عایداتی دارد مخارجش هم در مقابلش باشد ولی این
 ماده بکفایتی اتمام دارد و معلوم نیست که آیا فقط با
 تشخیص وزیر عدلیه است یا اینکه دولت هم تصویب
 خواهد کرد یا این که وزارت مالیه نظارت خواهد داشت
 بالاخره خوبست آقای وزیر این را توضیح بدهند چون
 اینجا فقط میگویند عوائد حاصله صرف توسعه تشکیلات
 عدلیه و ادارات ثبت اسناد خواهد شد از این جهت
 است که بنده خیال میکنم که محتاج به اصلاح باشد

و بنظارت وزارت مالیه نوشته شود
 وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که اصلاً نظارت
 وزارت مالیه لازم نباشد برای این که در هر حال
 بيك مخارجی که می شود باید وزارت مالیه نظارت
 کند فرض بفرمائید بيك عایداتی است که مجلس اختصاص
 داده است به بلدیة خرجش را وزارت فواید عامه میکند
 ولی وزارت مالیه هم نظارت دارد

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است

رئیس - رای میکنیم ماده دوم آقاپایانیکه موافقت
 قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده سوم قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

ماده سوم - مدت مرور زمان نسبت به قبل از
 تصویب این قانون از تاریخ منشاء دعوی چهل سال
 شمسی است

صاحب دعوی میتواند هرگاه از تاریخ منشاء دعوی
 کمتر از چهل سال گذشته از تقیة مدت نا چهل سال
 شمسی استفاده کنند به این ترتیب و هر دعوی نسبت
 بعین غیر منقول که بعنوان مالکیت در تصرف کسی است
 هرگاه تاریخ منشاء و سبب تولید دعوی چهل سال شمسی
 یا زیاده قبل از تصویب این قانون بوده و در مدت
 چهل سال شمسی هم در هیچک از محاکم وقت اقامه
 نشده بتقاضای مدعی علیه که باید تا اعلان ختم محاکمه در
 مرحله ابتدائی بعمل آید محکمه فرار منع تعقیب
 دعوی را خواهد داد و هرگاه تاریخ منشاء و سبب تولید
 دعوی کمتر از چهل سال شمسی باشد تاخاذه چهل سال
 شمسی پذیرفته خواهد شد .

مدت مرور زمان راجع دعاوی نسبت بعین غیر منقول
 که پس از تصویب این قانون تولید میشود از تاریخ
 منشاء دعوی بیست سال است

تبصره - در مرحله استینافی فقط وقتی میتوان از

مرور زمان استفاده کرد که از حکم غیابی استیناف شده باشد
رئیس - آقای فیروزآبادی

فیروز آبادی - بنده دبر عرض کردم عقیده خودم این است که جلوگیری از تقلبات را موجب مجازات میشود کرد. باید کاغذ ساز را بیاورند و مطابق قانون شرع مجازات کنند. آن کسی که مهرنا حق پای کاغذی میزند او هم باید مجازات شود.

در شرع اسلام هیچ چیزی را فروگذار نکرده و این مرور زمان هم برخلاف شرع است اما حالا میفرمایید لازم است و مجلس صلاح میداند بنده که نمیتوانم با اکثریت مجلس مخالفت کنم بالاخره بنده عقیده ام این است که مدت پنجاه سال و بیست و پنجسال باشد حالا بعضی ها کمتر عقیده دارند خودشان میدانند عقیده شخصی بنده این است که چهل سال پنجاه سال و بیست سال بیست و پنج سال باشد

رئیس - آقای عمادی

عمادی - اساساً اگر خود آقا به فلسفه این ماده پی ببرید شاید مدتش را کمتر هم میکردند برای اینکه چیزی که وادار کرده است آقای وزیر عدلیه و سایر آقایان نمایندگان را نسبت به این ماده کثرت دسیسه و تقلبات نسبت به املاک بوده است به این جهت این ماده وضع شد که این تقلبات از بین برود بنا بر این حضرتعالی هم بایستی به فلسفه این ماده پی ببرید یعنی چهل سال را ده سال و بیست و پنجسال را پنجسال کنید بهر حال بنده گمان میکنم همین طریقی که رماده نوشته شده است اگر حضرت آقا هم قناعت کنند بهتر است

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - بنده اولاً خدا را بشهادت میطلبم در این قانون و این ماده نظری بموافقیت با مخالفت با دولت ندارم و آنچه که عرض می کنم عقیده خودم

است و امیدوارم آقایان احساسات را در این مورد کنار بگذارند و این قانون که به نفع با ضرر مملکت تمام میشود بکفداری. فاعل در اطرافش بنابند این قانون بعقیده بنده مخالف با شریعت مطهره اسلام است

بعضی از نمایندگان (باهمه) این طور نیست

حاج میرزا مرتضی - اجازه بفرمایید بنده عرضم را عرض کنم آنوقت هر کدام از آقایان فرمایش دارید بفرمایید بنده عقیده خودم را عرض می کنم و میگویم که این قانون مخالف با شرع مقدس اسلام است

(همه نمایندگان - صدای زنگ رئیس)

حاج میرزا مرتضی - شما حق ندارید درین نطق من حرف زنید بنده عقیده ام این است که این قانون مخالف شرع است برای اینکه شارع مقدس اسلام هیچوقت طول مدت را باعث بطلان حق قرار نداده است يك قبالة یا مصالحه نامچه پدر بنده به بنده یا دیگری کرده است و در این مدت چهل سال من قدرت اینکه این ملک را تصرف کنم نداشتم همین قدر که قدرت بدست من آمد چهل سال گذشت آنوقت من بگویند چون چهل سال گذشته شما حق ندارید احقاق حق خودتان را بکنید ۱۴ در کجای شریعت اسلام چنین چیزی هست ۱۴ اصل دوم قانون اساسی میگوید هر قانونی که از مجلس میگذرد بایستی کاملاً مطابق با موازین شرعیه باشد و این قانون چون مطابق با قانون شرع نیست بنده غلط میدانم و برای مملکت مضر میدانم و فوایدی را هم که آقایان برای این قانون بیان کردند که جلوگیری از تقلبات میکند بعقیده بنده این قانون بیشتر راه تقلب و کاغذ سازی را باز میکند برای اینکه در این قانون هیچ ذکری از تعیین حدود نشده و قسمت عمده دعاوی که هست در تعیین حدود است ممکن است ملکی مال دیگری است با مال خودم مطابق قبالة که دارم بروم ثبت کنم در حالتیکه قسمت عمده اراضی که مطابق قبالة ام اعلان میکنم مال دیگری است خود آقایان

بفرمایند ما مهندس که نداریم که برود تعیین حدود کند اول نزاع در همین جا است که حدود املاک معلوم نمیشود برای کسی که بخواید مرافعه بخرد یا شر بخرد در اینجا هم میتواند همان دعاوی را که راجع به اصل املاک میکند در حدود هم بکند و آنوقت يك دعاوی دیگری مجدداً در این مملکت تجدید میشود و هیچ فایده و نتیجه هم برای جلوگیری از تقلبات حاصل نمیشود و بالاخره يك قانون هم در مجلس گذشته است که هم برخلاف شرع و هم برخلاف قانون اساسی است
رئیس - آقای میرزا عبدالله خان ونوق

میرزا عبدالله خان ونوق - بنده اجازه خودم را را به آقای دادگر واگذار میکنم

دادگر - بنده هم نوبه خود را با آقای مدرس تقدیم میکنم که برای مذاکره در این مطلب اصلح هستند.

رئیس - آقای مدرس

مدرس - گرچه بنده نمیخواهم در يك مطالبی که نظری است در این جا صحبت داشته شود ولیکن مجبورم چه کنیم. بعقیده بنده دو جمله است که خیلی بزرگ است و عظمتش را نمیتوانم عرض کنم. یکی اینکه گفته شود مطلبی موافق شرع اسلام است یا گفته شود مخالف شرع اسلام است (نمایندگان - صحیح است) این دو مطلب عظیم است و من یقین دارم آقایانی که این جا تشریف دارند که سهل است که از بزرگان و رؤسا هستند حتی آن اطفال صغیر کوچکی هم که در آن بیغوله های ایالات منزل دارند قواعد اسلام جزو و کلاء نزد آنها محترم است (نمایندگان - صحیح است) بلکه امروز تمام دنیا قواعد اسلام پیشش محترم است قانون اسلام يك قانون نیست که زور بخوایم نگاهش داریم خودش نگهداری خودش را میکند و خودش سربان و چربان دارد خدا رحمت کند مرحوم میرزا حسین خان سپهسالار را من که خدمتش رسیده بودم و بعقیده من شخص بزرگی بوده است دو بنا کردم. یکی بجهت تعلیم

و تعلم قانون و يك بنا هم بجهت تنظیمات و ترتیبات اجرای قانون و اگر کسی وقف نامه آن مرحوم را به بیند و دستور هائی که از برای نخبیلات در آن وقف نامه ذکر کرده است می بیند که تنظیمات و باصلاح دستورات و پرگرام هائی که آن مرحوم مقرر داشته هیچ نسبت به پرگرام جامع الارض نداشته است و البته نظرش این بوده است که در آن بنا تعلیم و تعلم قانون بشود از ابتدائی و متوسطه و انتهائی و در این جا هم که مملکت مشروطه بشود کیفیت تنظیم و ترتیب اداری و اجراء آن را صحبت کنیم این جا این صحبت بشود آنجا هم آن صحبت بشود. لذا می بینید که بنده در این جا از مطالب قانون و اینها کمتر تصریحاً خدمت آقایان عرض میکنم آمدم سر مسئله قانون خودمان که ثبت اسناد باشد و اسمش را بگذاریم قانون مرور زمان. اما ثبت اسناد همین جوری که در روز اشاره کردند يك مسئله تنظیمات اداری مملکتی است. هر هیئت اجتماعی که جمع میشوند البته يك تنظیماتی در ترتیبات اداریشان میدهند در کتب فقها بر است (و بستحب للوالی و للقاضی) این که امور واقعه را ثبت کنند از برای اینکه والی و قاضی که بعد می آید با آنها رجوع بکند مسبوقی شود خصوص نسبت به محجورین و محبوسین و غائبین و غیره و غیره منتها مسئله این است که عقلای دنیا از ما پیش افتادند این مطالب را گرفتند و استفاده کردند و همینطور که فرمودند تکمیل کردند و مایه چاره های بد بخت از بد بختی مان و کم رجالیان هر چه داشتیم از دست دادیم حالا که بیدار شده ایم می بینیم خیلی عقیم و الا ثبت کردن املاک ضرری ندارد خدا هم در قرآن میفرماید که بنویسید و محکم کنید. ثبت کردن و محکم کردن هیچ نفی مالکیت کسی را نمیکند استحکام مالکیت مرا میکند اما نفی حق مرا نمیکند مگر اسنادی که سابق درست میکردیم به مهر آقایان جج اسلام و مهر شهود معتبر نمیرساندیم؟ این

بواسطه این است که محکم بشود. ملکیت و حقوق هر کس سر جای خودش هست. آمدیم سر مسئله مرور زمان بلا تشبیه بیک عبارتی است لابد مال بزرگان است الجاهل اما مفرط او مفرط. ما خاطرمان می آید بعد از آنکه این قوانین محاکمت حقوقی را آقایان در کمیسیون عدلیه نوشتند و بنده هم بودم خیلی در ایران صدا و ندا بلند شد که گفتند رجوع عدلیه خلاف شرع است هر چه گفتیم (بلا تشبیه به آقای وزیر عدلیه) این عدلیه همان نایب حیدر سابق (خنده نمایندگان) سابق بر این يك کسی را از این جا میفرستادند بیک جائی اسمش را می گذاشتند نایب حیدر و میرفت در یکجائی ضعیفه میآمد پیش او اظهاری میکرد که این واقعه اتفاق افتاده او هم سندش را می دید و رسیدگی میکرد حالا ترتیب دیگری درست کرده اند. یعنی نایب حیدر را تجزیه کرده اند. يك تکه اش را گذاشته اند روی يك صندلی اسمش را گذاشته اند رئیس احضار. يك تکه اش را گذاشته اند روی يك صندلی اسمش را گذاشته اند رئیس احضار. يك تکه اش را گذاشته اند رئیس اجراء. راطی به قضاوت ندارد. می گفتیم این همان حاکم سابق است. مخرج میرفت حاکم بهش گفتن خلاف شرع نیست اما قاضی گفتن خلاف شرع است!! در صورتیکه هر دو از يك ماده است!! چه خاکی لر سر کنیم؟! آقصر ما نیست. زمینة مملکت این جور است. البته قضاوتی که لا مجلس فی هذا المجلس الانبی او وصی او مؤمن امتحن الله قلبه بالايمان آن است به بینه و بعین قضیت بگوید که حلال را حرام بکنند. من خودم از باب اتفاق مرافعه پیدا کردم (آقای فیروز آبادی ملتفت هستند) يك کسی در ملك موقوفه قناتی کند برایش بیغام دادم که بیا بروم مرافعه من با تو می آیم مبروم پیش حاکم شرع اگر بر خلاف عقیده من حکم کرد من اطاعت میکنم. چون شارع بمن گفته است اطاعت کنم و الا باسناد و شواهد و دلائل رجوع کردن از زوی معلومات حسیه با يك چیزی را از باب

به عدلیه رجوع نکنید خلاف شرع است! دعوی چهل سال پیش از این به ما هم که رجوع میشود عاجزیم آخرش مگر رجوع به قسم شود و الا دعوی چهل سال پنجاه سال پیش از این فهمیداش خیلی مشکل است با وجود این بنده مخالف عقیده آقای حاج میرزا مرتضی ایستم. اسلام يك اصولی دارد. اصول مسلم است ولی در جزئیات و تطبیقات بعضی اوقات اختلافات پیدا میشود. این را هم بنده مرافعه نمیکنم ولی عرض میکنم که يك همچو شبهه امروزه از آقایان در مجلس سزاوار نیست امروز صدمیلیدون شیعه و دو بیست میلیدون مسلم مترصد این مجلس شورای ملی هستند يك چیزی اسم برده شود خلاف شرع است رد شود یا قبول شود اصلا خیلی مشکل است. بنده که بکنفر طلبه هستم و همه آقایان هم اخلاص دارم. منزلشان منزلان. توی تنفس مذاکره میکنیم. هر کدام شبهه داریم می نشینیم و در این مقوله صحبت میکنیم تا مطلب مکشوف شود بنده از آقای رئیس توقع میکنم يك روز دو روز مجلس را هم تعطیل کنند مبروم در اطاق تنفس و مسئله را حل میکنیم این مسئله را باید بزرگ بشماریم عظمت ما در دنیا به قانون اسلام است (نمایندگان - صحیح است) و بدانید که این قانون است که ما را نگاه میدارد (نمایندگان - صحیح است) وای بر ما اگر روزی نسبت به این قانون بی اعتنا شویم. آن روز نه مملکت برای ما می ماند و نه شرافت (نمایندگان - صحیح است) هر وقت که همچو شبهه اتفاق میافتد تشریف میآورید می نشینیم حل میکنیم. الحمد لله اکثر اهل علم هستید. البته بنده تنقید نمیکنم نظریات آقای حاج میرزا مرتضی را اصول مسلمه هست ولی در تطبیقات و جزئیات البته ممکن است بر بنده اشتباه شود. امروز مباحثه میکنیم شب مبروم منزل میبینیم اشتباه کرده ایم فردا می آیم بر میگردانیم البته انسان فراموش کننده است. سهو کننده است. پس سرور زمان که گفته اند مبنی: این است که عدلیه

میکوبد من نمیتوانم قبول کنم. حالا این ها دو نفر مسلمانند. حقی با هم دارند. خوب بروند جای دیگر حل کنند. به حکمیت. به محضر شرع حل کنند ولی يك حرف ممکن است گفته شود که وقتی مدعی علیه دید بن این جواب را دادند فرار میکنند میروند بی کارش. اطاعت مدعی را نمیکنند. این مسئله را يك جورى جلوگیری کنید. در کمیسیون هم که بودیم من خدمت آقایان عرض کردم. آقای جشیدی شاید خوب خاطرشان باشد. گفتن چیزی که ممکن است گفته شود دو حرف است یکی قانون اساسی است (مسئله شرح لمعه و قوانین و اینها را بگذارید کنار) چیزی که ممکن است آقایان بفرمایند این است که قانون اساسی میگوید مرجع تمام نظامات عمومی عدلیه است. شما که میگوئید من نمیتوانم پس من چکار کنم؟ گفتیم جوابش این است که من تقاضای شما را می پذیرم اما عرض میکنم من نمیتوانم. که قانون اساسی میگوید مرجع تمام نظامات عمومی عدلیه است و آقای وزیر عدلیه هم سالی يك کرور میگیرند اما میگوید من تقاضای شما را پذیرفتم اما نمیتوانم حل کنم....

معتضد استرآبادی - پس ارجاع به محضر شرع بداند مدرس بسیار خوب صبر کنید. آقای استرآبادی فرمودند ارجاع به محضر کنید. مدعی باید ادعا کند اگر من آمدم ادعا کردم که از آقای استرآبادی يك دانه جواهر الماس يك منی طلب دارم يك عربضه هم نوشتم بایش را هم تبر کردم دارم به عدلیه چه کند آقا؟ بفرمائید (لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین) دعوی باید عقلانی باشد اگر دعوی عقلانی نباشد حاکم شرع هم گوش نمیدهد. بسم الله من نمیتوانم تو میگوئی پنجاه سال قبل از این حاج میرزا آقاسی مرده يك ارثی به عروسش رسیده عروسش به عروس فلان شوهر کرده حالا مرافعه پیدا شده. من نمیتوانم این مسئله را بپذیرم و یکی از طرفینش را بچرانم که به او بگویم برو با این یکی بگویم برو به محضر. يك طرفی باید بچربد که من

باو بگویم برو من چه حق دارم آقا؟ يك کسی آمد پیش من عارض شد فلان کس را از کارش بیگار نکنند بیاورند؟! شما نایبک راه مرجعی برای يك طرف نباشد نمیتوانید او را بچرانید و در مقام احقاق حق برآئید عدلیه میگوید پنجاه سال است ملکی در تصرف این است تو هم يك ادعائی از پنجاه سال قبل میکنی من اینجا گویم نمیتوانم بکطرف را بچرانم و بگویم برو پیش حاکم شرع ...

بکنفر از نمایندگان - خودش هم نمیرود

مدرس - نمیرود؟ بسیار خوب پس علاجی برای این کار بکنید که برود يك کسی (رواوه) را کشید گفت اگر مردی به اوست گفت زنم و در میروم . میگوید بابا مسلمانید بروید در محضر شرع میگوید من مسلمانم نمیروم پس يك علاجی از برای این کار باید کرد که دعاوی مختل و معطل نماند این را بنده تصدیق دارم این مسئله را تأمین کنید آن روز خدمت آقایان عرض کردم (اگر خاطرشان باشد) که بنده يك فکری کردم آقای داور یا آقای وزیر برشان ناگوار شد . گفتیم حالا که ناگوار است بگذارید توی بغلتان اگر مجلس بروزش را نداد شما هم بروزش را ندهید . اگر دیدید مجلس این شبهه را قوی دانست که باید همه شبهات و احتمالات را جلوگیری کرد مهما امکان کار مردم را اصلاح کرد و این يك راه اصلاحی است که اگر مدعی علیه بخواند در برودتواند آتوقت شما قبول کنید حالا هم اگر آقای وزیر برشان ناگوار نباشد آقایان دیگر هم برشان ناگوار نباشد بنده يك نیم سطری پیشنهاد کرده ام توی بغل ایشان است خود من هم یاد داشت کرده ام که بادم زود . لذابنده عقیده ام بر این است که این يك قانون مملکتی است . کیفیت اجرا و استحکام املاک است . اگر شما آزاد کردید من بشا قول میدهم که هیچ غصه نمی خورم اگر هم قبول کردید که يك قانون است برای املاک ولی يك عیب های اساسی است که من مجبورم بعقیده خودم

تذکر بدم شاید يك کسی يك عیب اساسی درش نه بیند ولی اگر آقای وزیر آن نیم سطر را توجه نفرمایند و ضمیمه نفرمایند بعقیده من اشکال آقای محمد هاشم میرزای خود مان و اشکالات سا برین هم رفع میشود . حالا بنده يك الزام فوق العاده در این مسئله ندارم بجهت این که اگر واقعا بقول بعضی از آقایان شر خری است که هیچ اگر نیست باید حاضر شوند به حکمیت با رجوع بمحضر شرع کنند و طی گفتگو شان را بکنند ، اما انصاف بدهید که عدلیه وقایع چهل ساله و پنجاه ساله را نمیتواند رسیدگی کند خدا میداند اتفاق افتاده است دو سال یکسال در يك مسئله غور رسمی کرده ایم اما چون مسئله بکقدری قدیمی بوده است نتوانسته ایم حل کنیم و فقط به قسم حل کرده ایم چون بيك آثار و اسناد و يك کاغذ هائی نمی شود . خیلی عذر میخواهم اصلا کلیه دلم نمیدخواهد در اینگونه مطالب عرابضی بکنم مخصوصاً با اینکه حال ندارم بخصوص که با این کابینه موافق نیستم با پدرشان هم موافق نیستم لیکن معذالك مجبور میشوم که يك عرابضی بکنم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از نطق آقای مدرس بنفس داده شود

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - آقای مدرس فرمودند که بعضی مسائلی است که نباید در مجلس صحبت شود بنده برای این عرضی که کردم چندین دلیل دارم و همینطور که گفتند نباید گفته شود بنده هم استدعای کمی بنفس داده شود تا بنده آن عرابض را خدمت آقای مدرس عرض کنم میفرمایند این عدلیه همان نایب حیدر قدیم است نایب حیدر قدیم احکام محاضر شرع را اجرا میکرد و تا بنگر خودش حکم نمیداد

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم آقای حاج میرزا مرتضی با آن فضائلی که در شان تصور میرفت امروز خیلی منحرف صحبت کردند اولاً يك قضیه بالاخره برای ایشان خیلی فرضش آسان بود و میدانستند که يك تکالیف و شرایط و قیودی است که برای محاکم عدلیه وضع میشود و اینکه فرمودند بر خلاف شرع است بنده نفهمیدم بعلاوه نازه حالا میخواهند قضیه را تحت مطالعه در بیاورند پس این مدن که این قانون مطرح و تحت مطالعه و مباحثه بوده چه کرده اید؟ حالا بنده در این قسمت چیزی عرض نمیکنم ولی خواهش میکنم با این عرض بنده توجه بفرمائید شما که از اهل شرع هستید نباید فراموش فرمائید که وقتی در کمیسیون عدلیه مثل آقای مدرس آمدنی که از طراز اول هستند تشریف داشته اند ...

مدرس - آقا این حرف هارا لازم ندارد

دادگر - نباید گفته شود که ایشان باین مسئله توجه نداشته اند این بالاخره خلاف حزم برای طبقه است اگر بنده از طبقه حضرتعالی بودم همچو حرفی نمیزدم و احترام میکردم حرف کسی را که تقدم دارد بر حضرتعالی و حالا آمدیم حضرتعالی گفتید يك حرفی را که زبان دارد . راست میگویند آقای مدرس . موضوع اینکته گفته شود خلاف شرع است یا نیست و بعد از مجلس بگذرد یا نگذرد خیلی بد است . کار خوبی نیست که در مجلس شورای ملی این نوع مسائل مطرح شود حالا آمدند اجالا گفتند و مراعات این قسمت هم نشد ولی حالا حضرتعالی بعد ازده بیست روز مطالعه نازه میخواهید تشریف ببرید مباحثه کنید

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی

را تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب باشد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
معتضد استرآبادی - کافی نیست بنده مخالفم

رئیس - آقای استرآبادی - عرض کنم بنده با کمال ارادتی که به آقای وزیر عدلیه دارم و با این قانون هم اساساً مخالف نیستم ولی خدا میداند فقط از نقطه نظر وظیفه مخالفت کردم و بحسب همان فرمایش آقای مدرس شاید اشتباه کردم و همان نظری که آقای حاج میرزا مرتضی پیدا کرده بودند شاید اشتباهاً هم در من پیدا شده و هنوز رفع نشده و از این جهت مخالفت کردم البته بیانات آقای مدرس تا حدی و مقداری از نظریات بنده را نامهن کرد ولی این جمله اخیری که آقای مدرس فرمودند اگر آقای وزیر عدلیه هم موافقت بفرمایند این چند سطری را که آقای مدرس پیشنهاد کرده اند ضمیمه کنند گمان میکنم این مختصر اشتباه و تکراری بنده هم رفع شود و بنده هم کاملاً موافقت خواهم کرد و الا اجازه بدهند تا در خارج مذاکره شود و بنده هم عرابض خودم را عرض کنم

رئیس - آقای عراقی

حاج اسمعیل عراقی - بنده خیلی خوشوقتم که آقای معتضد فرمودند که يك قسمت از اشتباهاتشان در نتیجه نطق آقای مدرس رفع شد و فقط قسمتی که باقی مانده تصور فرمودند که راجع به آن نیم سطری است که آقای مدرس فرمودند و ممکن است با آن نیم سطر آقای مدرس اشتباهات رفع شود ولی هنوز آن نیم سطر آقای مدرس معلوم نشده چه چیز است و نمیدانم با این عدم علم به نیم سطر آقای مدرس چطور تصور میکنند که ممکن است اشتباهات رفع شود؟ حالا بر فرض این که آقای مدرس هم يك نیم سطری داده باشند و آقا هم يك اشتباهی کرده باشند ما این قسمت را در مجلس تجربه کرده ایم و دیده ایم که در هر ماده از قوانین بعد از کفایت مذاکرات بیشتر درش حرف زده میشود تا قبل از کفایت مذاکرات یعنی پیشنهادات میشود و در اطراف آن توضیحات داده

میشود ولی چون میخواهم که این قانون انشاء الله به عنایت خدا هرچه زودتر در مجلس تصویب شود خوب است آقایان اجازه بدهند مذاکرات کافی باشد و ایشان هم پیشنهاد و نظریات اصلاحی خودشان را بفرمایند و اگر هر آینه آقای مدرس هم بخواهند يك نيم سطرې پیشنهاد بفرمایند ممکن است در ضمن آن پیشنهاد اشتباه آقایان رفع شود

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. پیشنهاد آقای یاسائی

(بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم مدت مرور زمان در ماده سوم سی سال شمسی باشد

پیشنهاد آقای عباس میرزا

ماده ۳ را بترتیب ذیل پیشنهاد مینمایم:

مدت مرور زمان نسبت به قبل از تصویب این قانون از تاریخ منشاء دعوی از اول مشروطیت چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴ خواهد بود مدت مرور زمان راجع به دعاوی نسبت بغير منقول که پس از تصویب این قانون تولید میشود از تاریخ منشاء دعوی بیست سال است

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده با اینکه باین قانون و با تمام موادش موافق هستم و این قدرها برای من تفاوت نمیکند که مدت مرور زمان سی سال یا چهل سال باشد ولی از نقطه نظر يك مسائلي اجازه میخواهم که فقط به بنده اجازه بدهند که يك قدری بیشتر از آنچه که مطابق نظامنامه ممکن است عریض بنده گفته شود...

جلالی - سابقه ندارد

یاسائی - بعضی از آقایان فرمایشاتی فرمودند و آقای مدرس هم يك جوابهائی فرمودند که البته همه منطقی

و احصائیه دعای مطروحه در عدلیه مراجعه شود آقایان تصدیق میکنند که دعای چهل ساله نیست و خیلی کم است و صدی پنج از دعای بیست ساله است و سی سال نیست و نقطه نظر ما در دعای این است که اکثریت را باید در نظر گرفت. آقایان که طرفدار مدت بیشتری هستند دلیلشان این است که چون در غالب نقاط قهر و غلبه و تصرفات نامشروع زیاد بوده بنا بر این مدت باید بیشتر باشد این فکر در همه تولید شده ولی يك ماده در این قانون هست که هر جا قهر و غلبه حکومت داشت مرور زمان در آنجا وارد نیست. گفته میشود وقتی مرور زمان در مورد قهر و غلبه شروع میشود که قهر و غلبه مرتفع شود هر جا که مرتفع شد یعنی عارض جرات کرد که برود عدلیه عارض شود دلیل بر این است که قهر و غلبه مرتفع شده و مرور زمان هم از این تاریخ ببعد شروع میشود و این اشکال هم رفع میشود و این توهمی هم که برای آقایان پیدا شده که مدت زیاد جلو گیری از قهر و غلبه میکنند این طور نیست بطور صریح در این قانون پیش بینی شده که مرور زمان وقتی شروع میشود که قهر و غلبه رفع شود و دیگر هیچگونه تکرالی وارد نیست بنده اول هم عرض کردم که مصر نیستیم که حتماً سی سال باشد یا چهل سال بنده عقیده ام این است که از ابتدائی که آزادی باین ملت داده شد و عدلیه دایر شده مرور زمان را بابتی از آن تاریخ گرفت ولی چون اغلب موافق نیستند و نظریات دیگری دارند از این جهت بنده حد معتدلی فرض کردم که سی سال باشد حالا بسته است بنظر آقایان.

وزیر عدلیه - یکی از شرایط پیشرفت يك قانونی این است که جمع بین همه نظر ها بشود اگر هر طرفی فقط آن نظری که خودش دارد بگیرد و در سر آن بخواهد ایستادگی کند اغلب باعث این میشود که خود اصل موضوع از بین برود. بنده مدتی است که در بین آقایان مذاکره کرده ام (همه هم میدانند) در جلسات

عده که مرکب از عده زیادی از آقایان بوده صحبت کرده ام. با افراد دیگر از آقایان هم در این خصوص بحث کرده ام، در کمیسیون هم اطراف قضیه را نگاه کردیم و بالاخره همچو تصور کردیم که مسئله چهل سال يك مسئله ایست که میتواند جمع بین نظر های مختلفه را بکند و الا اشخاصی هم هستند که میگویند شصت سال و هشتاد سال باشد بنده استدعا میکنم از آقایان که به خیال اینکه اشخاصی که دارای ملك و علاقه هستند در زحمت نیفتند کاری نکنند که این مسئله دائمی باشد برای اینکه الان هم در اطاق تنفس گفتم که این مسئله مشکل است که بخوبی و خوشی خانمه پیدا کند بنده نمنا میکنم که بهمان قسمی که مذاکره شد و با همان چهل سالی که بود بهمان اندازه قناعات کنید و کاری نکنید که يك مرتبه این قانون از بین برود و مدت را نه بیشتر و نه کمتر از این بکنید.

رئیس - رأی گرفته میشود...

یاسائی اجازه میفرمائید؟ بنده چون اصرار ندارم به پیشنهاد خودم و برای بنده هیچ تفاوتی حاصل نمی شود از این جهت استرداد میکنم.

وزیر عدلیه - خیلی متشکرم

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - این پیشنهادی که بنده کرده ام که مبنایش از اول مشروطیت باشد برای این که بنده يك اشکالی دارم و میخواستم سؤال کنم و مقصود بنده راجع مدت نبود که چهل سال یا پنجاه سال باشد زیرا هیچ فرقی نمیکند و آن دلیل پیشنهاد بنده که راجع به از اول مشروطیت است هیچ ربطی ب مدت چهل سال یا پنجاه سال شصت سال ندارد بعقیده بنده راجع به مدتی و مروری باید قائل به منطقی بود و این را بنده میخواستم سؤال کنم که آقای وزیر عدلیه یا آقای مخبر که هر دو مستحضر از اوضاع عدلیه از هر حیث هستند يك جوابی

بدهند تا ما هم بفهمیم ما البته بقدر آقای مخبر و آقای وزیر از اوضاع عدلیه اطلاع نداریم و آن این است که هر قانونی که وضع میشود باید دید برای چه وضع میشود و چه نتایجی از آن اخذ میکنیم هیچ در موقع نوشتن یا گذراندن قانون احساساتی نیست و هیچ فرقی نمیکند برای آقایان که قانون مرور زمان مدتی شصت سال باشد یا چهل سال باشد این برای رفاهیت مردم است و اگر نیست اصلاً ولش کنید و اگر هست که باید قائل به منطقی شد و بنده این دو سطری که اینجا نوشته شده منطقتش را نفهمیدم میفرسید در مدت چهل سال شمسی هم در هیچیک از محاکم وقت اقامه نشده بتقاضای مدعی علیه که باید تا اعلان ختم محاکمه در مرحله ابتدائی بعمل آید محکمه قرار منع تعقیب دعوی را خواهد داد (والی فلان) ما نمیدانیم قبل از مشروطیت محاکم صالحه کیست؟

عمادی - محاضر شرع

عباس میرزا - قبل از مشروطیت محاکم متشدت بوده ...

(همه نمایندگان)

عباس میرزا - محاکم شرع الان هم هست . قبل از مشروطیت يك حکام و نواب حکامی بوده که در آن زمان امور را قطع و فصل میکردند آهائی که در آن زمان کاغذ سازی کرده اند امروز عدلیه چطور تشخیص خواهد داد؟ عدلیه که بامدرک (بطوری که آقای مدرس فرمودند) میگوید من نمیتوانم رسیدگی کنم تشخیص يك مهر پنجاه سال قبل را اگر امروز بسازند کی و چطور خواهد داد؟ از مشروطیت باین طرف ما يك محاکمی داریم ما يك آزادی داریم ، يك وضعیت دیگری داریم بنده نمیدانم چطور يك دوره آزادی اسناد و مدارکش را متکی میکنند بیک دوره که مراجع آن مبهم است که در آن مواقع ممکن است انواع و اقسام کاغذسازی شده باشد و الا بگذارید بحال طبیعی و مرور زمان هم نباشد با

نوشته از حاکم بایکی از مراجع آن زمان آورد که این شخص در فلان وقت آمده بود پیش من بصرف این مسئله که نمیشود قبول کرد البته يك قرائن و دلایلی هم لازم است و الا از این قبیل نوشتهجات صرف نظر از مرور زمان در تمام مسائل می آورند و در هر جائی وقتی که شما مراجعه کنید در نقاط مختلفه می بینید که واقعاً در زمان خودش اگر محضر بوده است يك محاضر معینی بوده است و اگر ترتیب رسیدگی معینی بوده و صرف این که يك کسی بر دارد بنویسد که فلان شخص آمده بود پیش من پذیرفته نخواهد شد بالاخره این مسئله اینست که شخص مدعی که اقامه دعوی کرده است بایستی ثابت کند و او باید يك امهار و نوشتهجات و اسنادی بیاورد که طرف اعتماد باشد او باید يك اشخاصی را معرفی کند که بشناسند و بالاخره مشخص هم محکمه است از ابتدائی تا عیز و تمام این وقت ها هم خواهد شد اما اگر نخواهید محکمه وقت را بر دارید بنده آنوقت نمیدانم چطور ممکن است مرور زمان را قبول کرد؟ و اگر نخواهید بگذارید بهتر از کله (محکمه وقت) اگر اصطلاح دیگری دارید او را بفرمائید و بنده نمیدانم در قسمت مدتش دیگر بحث نکنیم و چون آقای یاسائی موافقت کردند آقا هم موافقت بفرمایند در قسمت مدت که همان چهل سال باشد تا انشاء الله بزودی بگذرد و در قسمت محکمه وقت هم ما غیر از این چیزی پیدا نکردیم و اگر نخواهید ممکن است يك عبارت دیگری که جامعتر باشد بگذارید ولی بنده تصور نمیکم چیزی بهتر از این پیدا کنید چون در این مسئله خیلی بحث شد

وزیر عدلیه - بکمرتبه دیگر قرائت شود

(پیشنهاد مزبور مجدداً بشرح گذشته خوانده شد)

وزیر عدلیه - باز این یکی از آن مواردی است که از شدت احتیاط باعث شده است آقایان مذاکراتی بفرمایند بالاخره ما باید بیائیم و حق يك عده را باینجا کنیم تا اینکه بالاخره برسیم باین نتیجه که عین این ماده را که نوشته شده است رای بدیم آقایان بفرمایند که باید محکمه وقت تعیین شود برای اینکه ممکن است رفت از يك نایب الحکومه تا کسی کاغذ گرفت که در سی سال پیش آمدند نزد من و اقامه دعوی کردند و آن وقت مسئله مرور زمان را از بین خواهد برد . بنده خیال میکنم اگر توجه بفرمایند باینکه از یکطرف واقعاً باید حق گذاشت از برای اشخاصی که قبلاً رفته اند و مطابق مرور زمان حرف خودشان را زده اند و تعقیب کرده اند و از برای آنها در این قانون حقی که پیش بینی شده است باقی بماند و لازم است این جا باشد و الا حق يك عده از بین می رود و از طرف دیگر هم باید يك توجهی داشته باشیم که بعضی اینک يك کسی

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (دوسه نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه میدانند قیام فرمایند

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (دوسه نفر قیام نمودند)

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (دوسه نفر قیام نمودند)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده سوم به عوض جمله (محاکم وقت) نوشته شود (محاکم شرع وقت) رئیس - بفرمائید غلامحسین میرزا - غرض کنم نظری را گنه بنده پیشنهاد کردم در واقع نامین فرمایشات خود آقای وزیر خواهد بود و الا اگر این نباشد بالاخره هر کسی میروند از يك نایب الحکومه تا از يك اشخاصی که رفته اند در يك بلوکی سؤالی میکنند و همان را مدرک قرار میدهند این فرمایش را که آقای وزیر عدلیه فرمودند بنده عرض میکنم خودشان که همیشه دنبال قانون نخواهند بود و این جمله (محاکم وقت) ممکن است بيك مشکلائی بر بخورد و بنده تصور میکنم اگر نوشته شود (محاکم و محاضر وقت) این اشکال را رفع میکنند و غیبی هم ندارد

وزیر عدلیه - بنده خیال میکنم که این پیشنهادی را که آقا کرده اند رفع مشکل را که نمیکند هیچ بلکه بيك مشکلی را هم ایجاد میکنند سابق بر این ترتیب رسیدگی این طور بود که مثلاً عارض و معروض که پیش مرحوم نظام الملك میرفتند گاهی بعضی دعاوی را خودش قطع میکرد و گاهی میفرستاد به عدلیه بنده این بنده تصور میکنم بهتر این است که آقا هم موافقت بفرمایند و همین کله وقت را بهمین ترتیب که هست بگذارند باشد

رئیس - آقایانسی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای افسر (مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود محاکم صالحه وقت رئیس - آقای افسر افسر - البته آقایان مستحضرنند که از سنه ۱۲۸۶

بمقتضای وزارت عدلیه يك وزیري در ابران بوده است که به او مزاجیه میداده است و قضائاتی که واقع میشده است کاهی محاکم شرع رجوع میشده است و اگر نجاتی بوده است محاکم نجاتی ارجاع میشده است و بالاخره يك ترتیب و اصولی معمول بوده است و لوشتجانی هم در دست مردم هست که اگر بنا شود ما محاکم صالحه را نویسیم آنوقت ممکن است يك اشکالاتی پیش بیاید و همان ایرادات بعضی از آقایان وارد می آید زیرا ممکن است يك آدمی که صالح نباشد آن کاغذ را نوشته باشد و البته تشخیص این مسئله را هم عدلیه میدهد و لوشتجانی که در آن زمان نوشته شده است یا مال يك فرائض است یا مال يك حاکم و محضر شرعی است یا مال خودی که از زمان خودش مجتهد مسلمی بوده است که بمقیده بنده جزء محاکم صالحه آنوقت بوده است که بالاخره آنها تشخیص با خود وزارت عدلیه است این بنظر بنده خیلی خوبست و گمان میکنم آقای وزیر اگر چنانچه موافقت بفرمایند خیلی خوبست و رفع اشکال هم میشود

وزیر عدلیه - محکمه وقت که می نویسد مقصود محکمه ایست که در موقع خودش صلاحیت داشته باشد یعنی محکمه صلاحیت دار وقت اعم از این که این را در این جا ذکر بکنند یا نکنند این مقصود حاصل است میخواهید صلاحیت دار هم بنویسید اشکالی ندارد ولی مطلب معلوم است

(پیشنهاد مزبور مجددا قرائت شد)

مدرس - اسباب زحمت میشود بنده مخالفم تشخیص مشکل است

شریعت زاده مخبر - بنظر بنده این عبارت اگر اضافه شود ایجاد يك مشکلاتی خواهد کرد و بنظر بنده همینطوریکه نوشته شده بهتر است و ماهمیشه با سبق در قانون گذاری اصرار نکنیم در اضافه کردن يك کلماتی که منشاء مناقشات میشود این است که بنده این پیشنهاد را نمیتوانم قبول کنم

رئیس - رای میکنیم به این پیشنهاد آقایان موافقین

قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای استرآبادی

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم مدت هر قدر تصویب شود سه سال مدعی اختیار اقامه دعوی داده شود

رئیس - آقای استرآبادی

استرآبادی - اگر چه بنده هنوز با اصل مرور زمان نمیتوانم موافقت کنم ولی در اینجا چیزی که ضرورت دارد این است که مدت هر قدر معین شود اگر کمتر از چهل سال باشد البته مدتی برای مدعی است دو سال سه سال پنج سال که بتواند دعوی خود را اقامه کند این عیبی ندارد ولی اگر چهل سال تمام شده باشد يك آدمی که چندین سال در خانه خودش استراحت خوابیده است که اگر من يك وقتی بخوام اقامه دعوی کنم نمیتوانم امروز پیش بگویند که چون چهل سال گذشته توحق نداری اقامه دعوی کنی اسباب زحمت است بنابراین بنده معتقدم بطور کلی دو سال سه سال همه مدعیها حق داده شود و اعلان شود که هر کس هر حق و ادعائی دارد در فلان مدت معین ادعای خودش را بکند برای اینکه ممکن است اهالی هیچوقت در این چهل سال قبل قدرت نداشته اند اقامه دعوی کنند بخوبال اینکه يك روزی مدعی من ضعیف میشود و من اقامه دعوی میکنم و همینطور دعاوی خود را گذاشته اند مانده و امروز يك مرتبه بانها خبر میدهند که چون چهل سال گذشته است شما حق ندارید پیشنهاد بنده این است که يك مدتی مردم اختیار داده شود و اگر در این مدت اقامه دعوی نکردند حقشان ساقط باشد

وزیر عدلیه - این سه سال مهلتی که شما میخواهید بدهید بنده عرض میکنم هر تنبلی در زندگانی موجب يك خرابی میشود تنبلی بحکم عقل مجازات دارد تنبلی يك ضرر هائی دارد بی احتیاطی يك ضرر هائی دارد

اگر يك کتبی نوی کوچه راه برود و جلوی پای خود را نگاه نکند و در چاه بیفتد این حکمی است که طبیعت از برایش مین کرده است يك کسی چهل سال رفته است دعوی خود را اقامه کند حالا نازه میخواهید او را دعوت کنید بیاید دعوی کند بنده این مسائل را نه تنها موافقت نمیتوانم بکنم بلکه بکلی برخلاف مصالح میدانم

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای استرآبادی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای شیروانی

(مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میشود مدت مرور زمان شصت سال باشد شیروانی - بنده همان حد وسط را قائل بودم ولی چون يك افراطی قائل شده بودند از این جهت بنده هم این پیشنهاد تقریبت را کردم ولی حالا مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای عمادی

عمادی - بنده هم مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد

(باین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میکنم عبارت (از تاریخ منشاء دعوی) تبدیل شود به (از تاریخ تولید دعوی)

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم منشاء يك لغت مبهمی است و خیلی کس دار هیچ بدو و ختم هم ندارد اگر بخوانیم او را معنی کنیم اینطور میشود از تاریخی که دعوی در شرف شروع است منشاء یعنی سرچشمه دعوی ممکن است يك کسی نسبت به يك ملکی دعوی داشته باشد نظری داشته باشد بیاید يك جلسه کند در منزلش و يك عده را بیاورد و بگوید این ملك مال من است و من اسنادی دارم و میخواهم اقامه دعوی کنم

این را منشاء دعوی میکوبند ولی تولید دعوی باین اطلاق نمیشود ولی اگر منشاء دعوی باشد او میتواند بعد از گذشتن این قانون استشهاد کند از همان عده که جلسه کرده اند که فلانوقت بنا نبود من فلان اقدام را بکنم ؟ و او را منشاء قرار دهد این است که بنده تبدیل کردم لفظ منشاء را به تولید قانون باید کلماتش صریح باشد که اسباب اشتباه نشود حالا بسته است بنظر آقایان

مخبر - در معنی تفارقی نیست منشاء یا تولید معنای یکی است بنده قبول میکنم

مدرس - بنده مخالفم اجازه میخواهم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده

(باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۳ بعد از عبارت تاریخ منشاء دعوی نوشته شود با آخرین تعقیب رسمی

احتشام زاده - بنده مقصودم از تقدیم این پیشنهاد خواستن يك توضیحی بود از آقای وزیر عدلیه چون در موقع مذاکره وقت نشد این است که حالا استفاده میکنم و عرض میکنم تاریخ مرور زمان و اینکه مرور زمان از چه تاریخ شروع میشود یکی زمان ایجاد دعوی را میگیرند و یکی هم تعقیب دعوی را برای اینکه ممکن است يك دعوائی يك مدتی قبل ایجاد شود ولی در حین مرور زمان تعقیب شود آن وقت مدتی بگذرد و مدت مرور زمان تمام شود در این صورت ابتدای مدتی را از ابتداء ایجاد دعوی نمیکیرند بلکه از آخرین تعقیب رسمی میگیرند بنده خواستم از آقای وزیر عدلیه سؤال کنم که آیا منظور ایشان هم این است که اگر تعقیب شود از تاریخ آخرین تعقیب حساب میشود یا از تاریخ شروع و ایجاد دعوی بنده منظورم فقط این بود

وزیر عدلیه - مطلب واضح است و آقایان يك اصول کلی را که بجای خودش هست میخواهند در ضمن این قانون بکنجانند البته وقتی پنجاه سال قبل يك دعوائی

شروع شده و بعد در سی سال پیش دعوی تعقیب شده و این دعوی را میشود الان هم اقامه کرد برای اینکه از آن روزی که تعقیب کرده تا حال چهل سال نیست اینها يك امسالی است که گمان میکنم بجای خودش صبر باشد و آقایان میخواهند يك اصول مسامحه را در اینجا توضیح کنند.

احتشام زاده - بنده پیشنهاد را مسترد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم نوشته شود تاریخ منشاء و تولید مدرس - منشاء و تولید میانه شان عموم و خصوص من وجه است. تولید یعنی آن چیزی که دعوی را میآورد و آن بعد از اطلاع من است بمواقعه و این ممکن است مطابق با منشاء باشد و ممکن است مطابق با منشاء نباشد منشاء دعوی این است که سبب حقایق من شده است ممکن است آن سبب را من مطلع شده باشم یا بعد مطلع شوم لهذا پیشنهادی که آقای بامداد راجع به کلمه تولید کردند اگر آن کلمه را ضمیمه میکردید عیب نداشت. منشاء دعوی آنست که اگر دعوی من ثابت شد اجرة المثال تا آن وقت را میخواهم ولو بارت از پدرم بمن زحمیده اما مدتی من نمیدانستم و حالا اطلاع پیدا کرده ام که این مال از پدرم بمن رسیده است و دست دیگری است منشاء دعوی از روزی است که از پدرم مال بمن رسیده است اما حالا من ملتفت شده ام ایچان مرور زمان از زمان منشاء دعوی است نه از زمان تولید دعوی ولی اگر این دو کلمه با هم باشد عقیده من عینش رفع میشود.

مخبر - يك مرتبه دیگر قرائت شود

(پیشنهاد آقای مدرس مجدداً قرائت شد)

مخبر - این دو کلمه تفاوت ندارد و بنده قبول میکنم

رئیس - رأی میگیریم بماده سوم

را هر طور میخواهید بنویسید مختارید

رئیس - آقای ضیاء پیشنهاد کرده اند دو مرتبه رای گرفته شود يك دفعه بدون (تولید) يك دفعه با (تولید) رای گرفته میشود بماده سوم بضمیمه (صلاحیت دارد) بعد از محکمه .. مدرس - این را که قبول نکردند.

رئیس - بسیار خوب رای گرفته میشود بماده سوم بدون (تولید) آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است رای گرفته میشود بضمیمه تولید آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (عده برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. ماده چهارم (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۴ - باراد مرور زمان خواه قبل از رسیدگی بدعوی و خواه در ضمن رسیدگی اظهار شود محکمه مکلف است علیحده رسیدگی کرده قرار صادر نماید و این قرار خواه مبنی بر رد ایراد باشد و خواه مبنی بر قبول مستقلاً قابل استیناف و تمیز است طلبکاران و ضامن مدعی علیه می توانند در صورتیکه عدم استناد مدعی علیه بمرور زمان موجب ضرر آنها باشد وارد دعوی شده بمرور زمان استناد نمایند در صورتیکه مدعی علیه اقرار بملکیت مدعی نماید مدت مرور زمان قطع میشود و همچنین است اگر مدعی علیه در سندی که بخط یا امضاء مسلم اوست اقرار بملکیت مدعی کرده و از تاریخ سند مدت مرور زمان نگذشته باشند

مدرس - به تبصره ماده سوم رای گرفته نشد

رئیس - ماده سوم که رأی گرفتیم با تبصره بود

آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عرض کردم با کلمه این لایحه مخالفم اما چیزی که هست اینجا يك عبارتی نوشته که

اگر صلاح نشود يك قدری اسباب زحمت میشود و آن این است که نوشته باراد مرور زمان خواه قبل از رسیدگی بدعوی و خواه در ضمن رسیدگی اظهار شود محکمه مکلف است علیحده رسیدگی کرده قرار صادر نماید زمانش را معین نکرده در چه زمان بکمال محکمه رسیدگی میکند و قرار صادر میکند؟ شش ماه، سه ماه رسیدگی میکند هیچ معین نیست. احتمال دارد هر وقت طرفین آنجا روند بگویند هنوز رسیدگی نکرده ایم و این اسباب طول کشیدن مرافعه و دعوی خواهد شد باین ملاحظه بنده عقیده ام این است که نوشته شود در مدت چهار ماه این قرار را صادر کند

مخبر - تصور میکنم اگر آقا اطلاعاتی از قوانین اصول محاکمات داشتند این ایراد را نمی فرمودند در قانون اصول محاکمات مقرر است که در يك موقع معینی و وقت معینی و ترتیب معینی باید بدعاوی رسیدگی کنند و از آن حدود نمیتوانند تجاوز کنند بنا بر این اگر کسی بمرور زمان ایراد کرد محکمه مکلف است در مدت معینی رسیدگی کند و رای خودش را بدهد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید بعقوب (باین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده چهارم قبل از کلمه مکلف است اضافه شود (محا که در اصل دعوی توقیف و محکمه الخ)

آقا سید بعقوب - این مسئله مرور زمان يك مسئله با اهمیتی است و خیلی نافع است و ما این را به بی اهمیتی تلقی کردیم. وقتی که ما حق مرور زمان را ادعا اینجا قائل شدیم آن کسی که مرور زمان را ادعا میکند در وقتی که اقامه دعوی میشود باید محاکمه در اصل دعوی توقیف شود این است که بنده پیشنهاد کردم بمجرد اینکه ایراد بمرور زمان شد محاکمه در اصل دعوی توقیف شود

وزیر عدلیه - بنده با این موضوع موافق برای این که باید اول تکلیف مرور زمان معلوم شود بعد باصل دعوی رسیدگی شود ولی بک پیشنهادی هم آقای بامداد کرده اند که تکلیف را معین میکند

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عبارت ذیل بعد از کلمه قابل استیناف و تمیز است اضافه شود (و مادامی که تکلیف قرار در مراحل استیناف و تمیز معین نشود محکمه ابتدائی رسیدگی را بتأخیر خواهد انداخت)

مخبر - چون این موضوع لازم است و بنده هم در نظر داشتم تذکر بدم قبول میکنم

وزیر عدلیه - بنده عرض کردم و دو مرتبه تکرار میکنم که آقایان توجه بفرمایند. محکمه میآید و قرار راجع مرور زمان را میدهد یعنی ما قبول میکنم بآرد میکند البته در آن صورتیکه مرور زمان را قبول کند که بالطبع رسیدگی نمیکند و باید بآرد در مراحل بالا تر تکلیف آرا معلوم کند و به بینند مرور زمان وارد است یا نه ولی در موقعی که مرور زمان را رد میکند در اینجا آقا پیشنهادی کردند و بنده هم چون موافق بودم قبول کردم که محکمه صبر کند تا تکلیف مرور زمان در استیناف و تمیز معلوم شود و الا از بک طرف قرار صادر شود و بروند در استیناف و تمیز و از طرف دیگر وارد ماهیت دعوی شوند این نمیشود

آقا سید یعقوب - پیشنهاد بنده صریحتر است

(پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند ...

وزیر عدلیه - بک مطلب را که نمیشود در ضمن دو عبارت قبول کرد

رئیس - خوب آرا که آقای مخبر قبول کردند رأی میکنیم

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید مقصود بنده اگر تا مین شده است استرداد میکنم بنده خواستم صریحتر باشد که مردم در زحمت نیفتند

وزیر عدلیه - عرض کردم تا مین شده است مسلماً محاکمه توقیف میشود تا در آنخصوص رسیدگی کنند

رئیس - رأی گرفته میشود بماده چهارم ...

شیروانی - ماده را با اصلاح بخوانند به بدینیم چه شده

(اصلاح پیشنهاد آقای بامداد مجدداً قرائت شد)

رئیس - رأی میکنیم بماده چهارم با اصلاحی که قرائت شد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده پنجم

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۵ مرور زمان بر علیه کسانی که بعلمت خطر جانی یا ناموسی و با بعلمت مخاطره در اموال خود یا اقرباء نزدیک خود نتوانسته اند اقامه دعوی نمایند جاری نمیشود مگر بعد از زوال مانع

مرور زمان بر علیه کسانی که در نحت ولایت هستند مثل صغیر و مجنون و صغیره جاری نمیشود

زوج و زوجه نمیتوانند نسبت بیکدیگر از مرور زمان مزبور در ماده ۳ استفاده نمایند. نسبت با املاکی که در دفتر ثبت املاک ثبت شده است مرور زمان جاری نمیشود - مرور زمان قابل اسقاط است ولی اسقاط آن وقتی ممکن است که بواسطه مرور مدت معینه در این قانون حاصل شده باشد. اسقاط مرور زمان باید صریح باشد.

متولی و همچنین کسی که ممنوع از تصرف در مالی است نمیتواند مرور زمانی را که برای او حاصل شده اسقاط کند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اینجا نوشته اقربای نزدیک خوب بود معین میکردند که مراد از اقربای نزدیک کیها هستند

برادر است؟ عمو است؟ کی است خوب است تصریح شود که بعد در موقع تصدیقش بر خلاف انصاف تصدیق نشود

مخبر - بنظر بنده این عبارت اشکال ندارد برای این که اقربای نزدیک معلوم است و در سایر قوانین هم اقربای نزدیک و مراحل آن معین شده

رئیس - آقای بامداد

بامداد - این ماده در این قانون بک ماده خیلی لازمی است و خیلی هم خوب است که قید شده چون برای بک اشخاصی بک تسهیلاتی قائل شده ولی بعقیده بنده نقصان دارد و کامل نیست هم از جهت توسعه که کرده اند از بک طرف و هم از جهت تضییعی که کرده اند از طرف دیگر طرداً و عکساً. البته آقایان تصدیق میفرمایند که سابق ملک داری در این مملکت بک مشکلاتی را ایجاد میکرده. و ملائین مجبور بودند بهر قیمتی شده برای خودشان بک زوری درست کنند چنانچه تا چندین قبل حقیقه دو ثلث یا نصف عایدیشان را میدادند برای سوار نگاهداشتن ...

مدرس - حالا نه عشرش را میدهند

بامداد - و این قهراً اطلاق متنقد بهش میشود. آنوقت این ماده سبب میشود که هر کسی که بخواهد از شر خری و مرافعه درست کردن استفاده کند بیاید و اقامه دعوی کند و بگوید والله ناحال که من نمیتوانسم خطر جان داشتم، خطر مالی داشتم. آقا کردن کلفت بود و زورش میچیزید، بنابر این باید این را بک قدری توضیح داد و معین کرد که بصرف ادعا محکمه گوش نهد با بک ادله اگر اظهار شد گوش بدهند چون ممکن است آن شخصی که اقامه دعوی بر علیهش شده بگوید آقا قبول دارم. من بک زوری داشتم اما حدتهائی برای تو مندوحه بود که اقامه دعوی بکنی و

نکردی. فلان وقت من در مکه بودم در حبس بودم گرفتار بودم، مغضوب دوات بودم، احضار شده بودم بمرکز چرا در آن اوقات اقامه دعوی نکردی پس باید در این قانون این ملاحظاتی را کرد که جامع الاطراف باشد یعنی وقتی که ما میخواهیم بواسطه این قانون بک رشته مرافعات را از بین ببریم و خانه بدهیم از آنطرف بک رشته مرافعات تولید نکنیم. بک قسمت دیگر اینکه بعضی امساکها در اقامه دعوی هست در این مملکت که نه بواسطه خطر جانی است و نه مالی و نه ناموسی بلکه بواسطه زاکت اخلاقی است که در ماها هست. همانطوری که زوج و زوجه را در اینجا منظور کرده اند که مرور زمان شامل آنها نمیشود برای اینکه نمیتوانند برضد هم اقامه دعوی کنند (و خوب نکته را هم ملاحظه کرده اند) بهمین ملاک بعضی چیزهای دیگر هم هست که لازم است آقای وزیر و آقای مخبر توجه بفرمایند. مثلاً بک زن متموله میمیرد و چند تا اولاد دارد. شوهر یعنی پدر اولاد میمیرد و بک زن دیگر میگیرد. املاک هم در دستش است آنها هم با بزرگ هستند یا صغیر هستند هیچ فرق نمیکند البته اقامه دعوی نمیکند بر پدرشان. ملاحظه پدری و مقام ابوت را میکنند و همانطور ملک در دست اوست. اجازه داده صالح کرده، تبدیل باحسن کرده، معاملات مالکانه کرده و در تصرف او هم بوده. امروز چند تا اولاد هم از زن دیگر پیدا کرده، اگر آمد صلح کرد با اینکه همینطور رفت به ثبت اسناد و گفت چهل سال است دست من است و بیایید ثبت کنید آنوقت چه باید کرد؟ این بد بخت بچه هائی که ملک حقشان است. مال مادرشان است چکار کنند؟ با اینکه فرض بفرمائید بک پدری مرد و دارائی با اولاد منتقل شد و دست برادر بزرگ و ار شد است و البته زاکت اخلاقی مقتضی است که دیگران حرف زنند چون برادر بزرگ است و اقتضای حق دارند جمع المالند ولی تمام معاملات را برادر بزرگ کرده. حالا هم چهل سال است دستش است امروز زمان هم شامل

اوست . چه باید کرد ؟ پس خوب است آقای وزیر عدلیه در این قسمت يك توضیحاتی بدهند که معلوم شود که فرمودند در صورت مجلس ثبت شود که این ملاحظات نسبت باشخاص بشود چون خیلی از فامیلهای این قبیل گرفتارها را دارند

وزیر عدلیه - البته معلوم است که مقصود از این ماده این نیست که اشخاص شیادی بعنوان اینکه ما در مخاطره بودیم با اینکه اقربای ما در مخاطره بودند بیایند و يك دعوی خیلی کهنه را بخوانند پیش بیاورند بالطبع آن کسی که دیگری من چهل سال اقامه دعوی نکردم برای اینکه جرئت نمیکردم بواسطه مخاطره که از برای من بوده است این آدم بایستی اولاً ثابت کند که واقعا يك مخاطره تراش بوده و ثانياً در این مدت مخاطره دوام داشته و الا اگر بنا باشد فرض کنیم يك روزی يك شخصی آدم با نفوذی بوده است و مردم پنجسال هم این شخص يك کسی بوده است که مردم میتوانسته اند بر علیه او اقامه دعوی کنند و انوقت يك کسی بیاید و بخواند دعوی راست کند البته از او نخواهند پذیرفت مقصود ما باز گذاشتن راه بوده است برای اشخاصی که حقیقه و واقعا این مخاطرات برایشان بوده اما در قسمتی که فرمودید خوب است غیر از زوج و زوجه دیگران را هم داخل کنیم بنده تصور میکنم خوب است بهمان اندازه قناعت کنیم والا شقوق مختلف میشود بملاوه اگر يك اولادی اینقدر نجیب بوده و اینقدر با حیا و با اخلاق بوده که نمیخواسته به پدرش تو بگوید ؟ بعد از این هم خوب است این حیا را نشان بدهد و اقامه دعوی نکند و این را هم تصدیق میفرمائید که زوج و زوجه با پدر و پسر فرق دارد . يك کسی که چهل سال اقامه دعوی بر علیه پدرش نکرده حالا هم گمان میکنم بهتر است که راهش باز نباشد که اقامه دعوی کند و بنده تصور میکنم بدبختانه این موضوع يك موارد زیادی پیدا کند

آقا سید یعقوب - هیچ پیدا نمیکند . دوره نچند رئیس -- پیشنهاد آقای بهبهانی (باین مضمون قرائت شد)

پیشنهاد مینامم سطر آخر صفحه ۴ از ماده ۵ بنحو ذیل اصلاح شود . متولی نسبت باملاك موقوفه و ولی شرعی نسبت باملاك مولی علیه که شرعاً از تصرف در ملك خود ممنوع است و خود محجور نمیتواند مرور زمان را که برای او حاصل شده اسقاط کند

بهبهانی - گمان میکنم مقصود بنده روشن است و آقایان هم موافقت با این عرض بنده فلسفه این قسمت از این ماده این است که يك کسی که دخالت در املاك غیر میکند شرعاً او میتواند این حق مرور زمان را ببخشد متولی البته نسبت باملاك موقوفه شرعاً دخالت میکند ملك مال خودش نیست . این جا استثناء کرده اند و می نویسند متولی و همچنین کسیکه ممنوع از تصرف در مالی است نمیتواند مرور زمانی را که برای او حاصل شده اسقاط کند کسی که ممنوع از تصرف در مالی است خود محجور است باین معنی که يك کسی ولی يك کسی است یا قيم يك کسی است که او از مال خودش ممنوع است طفل از دخالت در مال خودش ممنوع است یا دیوانه نسبت بمال خودش محجور است اینجا از این عبارت همچو فهمیده میشود که خود آن طفل یا آن دیوانه نمیتواند حق مرور زمان را ببخشد ، بنده عرض میکنم که ولایت هم نمیتواند . حق مرور زمان را ببخشد برای اینکه این ممکن است بضرر آن صغیر یا دیوانه تمام شود . چون این مسئله در ماده قید نشده بنده بيك شکل واضحتري این مقصود را قید کردم که در ماده اضافه شود

وزیر عدلیه - بنده تصور می کنم هر قدر بیشتر دقت شود که حق این قبیل اشخاص از بین زود ضرری نخواهد داشت بنا بر این میشود (ولی و قیم)

را هم اضافه کرد که ولی با قیم هم نتوانند مرور زمانی را که بر له صغیر است اسقاط کنند مخیر - بنده هم موافق هستم که کله قیم و ولی بعد از لفظ متولی اضافه شود و خواهش میکنم آقای همینطور موافقت بفرمایند

رئیس -- پیشنهاد آقای باستانی (بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده ماده پنجم را بنحو ذیل اصلاح و پیشنهاد میکنم ماده پنجم - تصرفی که ناشی از قهر و اجبار باشد موجب حق مرور زمان نمیشود و مدت مرور زمان از موقعی شروع میگردد که قهر و اجبار زائل گردد مرور زمان بر علیه کسانی که در تحت ولایت هستند الح

رئیس -- آقای باستانی باستانی - عرض میشود که این ماده طوری نوشته شده است که يك استفاده ای که حقاً در بعضی موارد باید بشود ممکن است برعکس يك نتایج سوئی هم داشته باشد زیرا توضیح دادند که در صورتیکه خطر مالی و ناموسی برای خود و اقرباء نزدیک باشد مرور زمان مورد پیدانمیکند بنظر بنده همین قدر بنویسیم تصرفی که ناشی از قهر و اجبار باشد تاثیر در مرور زمان ندارد کافی است و هر وقت قهر و غلبه و اجبار مرتفع شد مرور زمان از آن تاریخ شروع شود عبارت هم ساده تر است .

مخیر - بنظر بنده قبول این پیشنهاد اسباب زحمت برای اینکه در کمیسیون در نتیجه مطالعات تشخیص شد که این وقایع ممکن است اشخاص را از اقامه دعوی ممنوع بدارد و آنچه که آقای پیشنهاد فرموده اند منحصر راجع بتصرف قهری است در صورتی که قانون باید يك خصوصیات و مسائل خصوصی را بین خانواده ها هست در نظر بگیرد که آنها قاطع مرور زمان باشد باین جهت بنده نمیتوانم پیشنهاد ایشان را قبول کنم

باستانی - بنده استرداد میکنم رئیس -- پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (باین نهج خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده ۵ بعد از کله زوال مانع ، اضافه شود که در محکمه ثابت شود رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این مسئله را آقای بامداد هم بر سبیل اجمال اشاره کردند . بنده دو باره خواستم در این باب صحبت کنم . مشروطیت مملکت ما مسبوق است بيك سابقه که دوره استبداد باشد . حالاً بطوریکه آقای بامداد اظهار کردند پس فردا در محکمه دعوی اقامه میشود آن وقت میگوید بابا در دوره استبداد کسی مالک چیزی بود در فلانجا فلان سرباز فلان کار را میکرد . آنوقت با این حرفها تمام این زحمتی که ما کشیده ایم باید از بین رود و مرور زمان نسبت باو اجرا نشود . نظر اساسی بنده که رفتم با آقای مدرس راجع بمرور زمان صحبت کردم این بود که رفع شبهه از مردم بشود . نظر ما به اسقاط حق نبود ، اعراض است ، آقا از حقوق خودش اعراض کرده است حالا بمجرد اینکه ادعا کند و بگوید دوره استبداد نمیتوانست احقاق حق کنم فلان ملك مان من است نباید محکمه حکم کند که مرور زمان درباره او اجرا نشود .

وزیر عدلیه - بنده بکمرتبه دیگر هم توضیح دادم که بصرف اینکه يك کسی بیاید مدعی شود که من در مخاطره بودم بحرف او گوش نخواهند داد . باید ادعای خودش را در محکمه ثابت کند . البته طرفش هم جواب خواهد داد بالاخره پس از اینکه واقعا ثابت شد که این آدم در مخاطره بوده در اینصورت البته باید رسیدگی کرد

آقا سید یعقوب - استرداد میکنم رئیس -- پیشنهاد آقای مفتی

(باین مضمون قرائت شد) در ماده ۵ پیشنهاد می کنم بجای عبارت متولی و همچنین کسی که ممنوع از تصرف در مالی است نوشته شود متولی و همچنین کسی که بعنوان ولایت

با وکالت متصرف در مالی است

مفتی - بنده قبلاً این پیشنهاد را تقدیم کرده بودم بعد از اینکه پیشنهاد آقای بهبهانی قبول شد این مقصود بنده هم تأمین شده است ولی وکیل هم لازم است و بعقد بنده باید اضافه شود

مخبر - در قسمت ولایت و راجع بولی تأمین شده راجع بوکیل ضرورت ندارد برای اینکه وکیل وکیل در اسقاط مرور زمان نیست و صلاحیت این کار را ندارد بنا بر این بنده نمیتوانم قبول کنم

مفتی - استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای دادگر (باین نحو خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم از ماده ۵ جمله با ناموسی و جمله اقربای زدیك حذف شود

دادگر - بنده گمان میکنم این ماده خوب تنظیم شده ولی باید آنرا اصلاح کرد که يك کلمات مشوش نوش نباشد که تا هر کجا انسان بخواید مطلب را کس دهد حفظ ناموس در مسئله املاک بقدری وسیع است که هر کس میتواند این حرف را بزند همینطور اقرباء

بنده عرض میکنم این کلمه بقدری اغراق آمیز است که برای هر متشبهی وسیله میشود که بگوید پسر خاله ام پسر عمه ام و بالاخره پشت سر هم اشخاص را بنام اقربا داخل کند عقیده بنده این است که همان اشخاص حوزه مسؤولیت را باید مشمول این ماده قرار داد و اشخاص خارجی را نباید نوشت که افراط و مبالغه خواهد بود

مخبر - بفرمایید پیشنهاد را يك مرتبه دیگر بخوانند پیشنهاد آقای دادگر مجدداً (مضمون سابق قرائت شد)

مخبر - اگر آقایان موافقت بفرمایند همینطوری که نوشته شده باشد خیلی بهتر است زیرا در کیسیون تمام جهات که ممکن است موجبات صرف نظر کردن يك

کسی را از حق خودش فراموش کند در نظر گرفته شده و این يك اجتهاد اخلاقی است و اینکه از نقطه نظر حفظ خطر ناموسی نوشته شده مبتنی بدلائل وعللی بوده و آقایانیکه اقرار دارند میدانند که در موقع خطر اشخاص از هیچ نوع فداکاری اخلاقاً مضایقه نمی کنند و جریان مشروطیت در این مدت این مسئله را ثابت کرده و تصور میکنم اگر يك کسی پیدا شد و برای حفظ حیات و جان برادر و پدر و اقربایش يك فدا کاریهائی کرد اخلاقاً باید او را مصون داشت و مشمول مواد این قانون ندانست عدالت و انصاف هم همین طور حکم می کند و اگر غیر از این باشد صحیح نیست و اگر حضرت آقای دادگر هم موافقت بفرمایند که همینطور باشد و پیشنهادشان را مسترد دارند بهتر است

دادگر - بنده پیشنهاد خودم را تبدیل به تجزیه میکنم باین معنی که يك مرتبه با این جمله رأی بگیری و يك مرتبه هم عاده

رئیس - پیشنهاد آقای آقا میرزا عبدالحسین

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۵ عبارت مرور زمان بر علیه کسانی که تحت ولایت هستند جاری نمیشود نوشته شود که جاری میشود

رئیس - آقای میرزا عبدالحسین

میرزا عبدالحسین - بنده سه قسمت پیشنهاد کردم راجع بماده پنج یکی راجع مرور زمان بر علیه اشخاص و کسانی که در تحت ولایت هستند یکی هم راجع زوج و زوجه است که آنرا مسترد میدارم یکی هم راجع باسقاط مرور زمان است اما نسبت به آن قسمت اول عرض میکنم برای چه اگر چنانچه مرور زمان بر له صغیر و سفیه و مجنون باشد جاری میشود ولی اگر بر علیه آنها باشد جاری نمیشود این را خوب است آقای وزیر

مالیه (به بخشید) آقای وزیر عدلیه با آقای مخبر کیسیون توضیح بدهند تا اینکه بفهمم زیرا این مسئله قابل تجربه

نیست چرا مرور زمان بر علیه کسانی که تحت ولایت شرعی هستند جاری نمیشود ولی بر له ایشان جاری میشود ولی و قییم مسکلفند املاک صغیر را ثبت کنند دیگر اینکه این جامی نویسد مرور زمان قابل اسقاط است ولی اسقاط آن وفق ممکن است که بواسطه مرور مدت معینه در این قانون حاصل شده باشد یعنی اگر حاصل نشده باشد قابل اسقاط نیست معنی این را هم بنده نفهمیدم زیرا مسلماً مرور زمان وفق قابل اسقاط است که مدت معین حاصل و منقضی شده باشد و اگر مدت منقضی نشده باشد قابل اسقاط نیست پس این عبارت هم زیادی است و محتاج بذکر نیست زیرا مطلب واضح است

وزیر عدلیه - این جمله برای حفظ حقوق صغیر اضافه شده در تمام ممالک عالم هم همینطور است در خارج از مجلس هم عرض کردم و توضیح دادم که لازم است در این موارد این نوع دقت ها بشود در هر صورت وقتی که ما با دو طرف سر و کار پیدا کردیم یکی صغیر و مجنون و دیگری عاقل و رشید در این مورد قطعاً باید طرف صغیر را گرفت و مراعات حقوق او را کرد اما راجع باین که مرور زمان قابل اسقاط است اینکه نوشته مرور زمان در حق او حاصل شده برای این است که قبل از وقت نوشته این حق از کسی ساقط نمیشود که از مرور زمان استفاده میکنند

آقا میرزا عبدالحسین - مسترد کردم

رئیس - مسترد کردید

میرزا عبدالحسین - بل مسترد کردم

رئیس - پیشنهاد آقای عمادی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میدانم بعد از جمله دعوی نمائید جمله در محکمه ثابت شده در ماده ۵ ضمیمه شود

رئیس - آقای عمادی

عمادی - بعد از فرمایشاتی که آقای وزیر عدلیه کردند نظر بنده تأمین شده و پیشنهاد را مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای حاج میرزا مرعزی

(باین عبارت خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم این جمله بعد از زوال ممانع اضافه شود و همچنین اشخاصیکه اسناد و مدارك مثبت حق آنها در مدت چهار سال در دسترس آنها نبوده

رئیس - آقای حاج میرزا مرعزی

حاج میرزا مرعزی - عرض میکنم همینطوری که در این ماده نوشته اند اگر چنانچه بواسطه قوت طرف باعملت مختاطره در اموال خود یا اقربای زدیك خود نتوانست اظهار دعوی کند و این سبب خواهد بود که مرور زمان شامل او نشود همچنین بنده عقیده دارم که اگر يك کسی يك اسناد مثبت دارد که مدرك حق او است و این اسناد فرضاً در این مدت چهار سال در جائی باشد که در دسترس او نباشد یا پهلوی کسی بوده و باز نداده است بعد از اینکه ثابت شد که واقعاً این طور بوده یعنی این اسناد در این مدت در دسترس او نبوده او هم بر طبق همین ماده شامل قانون مرور زمان نشود و البته این يك ارفاقی است نسبت به کسی که حقی داشته و اسنادش پهلویش نبوده است

مخبر - بنده تصور میکنم اگر نمائید محترم قدری دقت میفرمودند و تشخیص میدادند که مرور زمان برای چیست این فرمایش را نمیفرمودند اساساً در تمام دنیا مرور زمان نسبت بيك چیزهای محوسی استثناء میشود و اینکه سرکار اظهار بفرمائید جزء آن قسمت نیست بین کسی که اسنادش را کم کرده یا کسی که اسنادش در دستش بوده واقعه دعوی نکرده است ؟ این دو صورت بعقد بنده هیچ فرقی با هم ندارد در هر صورت اصل نظر این است که دعاوی زیاد از چهار سال برای عدلیه مقنن نیست که بپذیرد مقصود این است حالا عنوانش می خواهد کم کردن سند

باشد با اقامه دعوی نکردن. بنا بر این از حضرتعالی خواهش میکنم پیشنهادتان را مسترد بنارید زیرا برای کمیسیون مقدور نیست این قبیل پیشنهادات را بپذیرد حاج میرزا مرتضی - بنده مسترد میدارم.

رئیس - پیشنهاد آقای محقق :

(بمبارت ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده ۵ بجای کلمه (سرور زمان قابل اسقاط است) نوشته شود (صاحب مرور زمان میتواند حق مرور زمان خود را ساقط کند) ولی اسقاط آن الی آخر.

رئیس - آقای محقق

محقق بنده يك توضیحی از آقای مخبر کمیسیون می خواستم و يك مطلبیست که درست ملتفت نشده ام و آن این است اینکه نوشته شده مرور زمان قابل اسقاط است مقصود این است که از طرف صاحب مرور زمان قابل اسقاط است یا از طرف کس دیگری خوب است يك توضیحی بدهند تا معلوم باشد

مخبر - مطلب بنظر بنده خیلی واضح است. اسقاط حق فقط از طرف صاحب حق ممکن است زیرا يك آدم خارجی نمیتواند حق بنده و جنابعالی را اسقاط کند
رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد. آقابانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای بدر

(باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میبایم در آخر ماده ۵ بعد از زوال مانع اضافه شود که این استثناء راجع است از تاریخ تصویب بعد.

رئیس - آقای بدر

بدر - عرض کنم مقصود از این ماده این است که از این تاریخ بعد اگر همچو چیزی واقع شود اما

با فلسفه که ذکر شد که از چهل سال قبل اسناد و مدارک را نمیشود تعیین کرد بطریق اولی خطر جانی و ناموسی را هم نمیشود معین کرد. بنده عرض میکنم که در چهل سال قبل فرضاً برای من خطر جانی یا ناموسی پیش آمده بطریق اولی در این مدت چهل سال و سائل ثبوت آن ممکن نیست. پس بنظر بنده باید اضافه شود از این تاریخ به بعد زیرا اگر غیر از این باشد چطور میشود ثابت کرد که مثلاً در چهل سال قبل برای يك کسی خطر ناموسی و جانی پیش آمده. و حقیقتاً ثبوت این قضیه يك چیز غریبی است از این جهت بنده تصور میکنم که این ماده از حالا بیعد باشد و بطوری که پیشنهاد کردم اصلاح شود وزیر عدلیه - عرض میکنم اصل مانع و مخاطره اساساً يك اصلي است که چه نسبت بگذشته باشد چه نسبت به آینده باید ملحوظ شود و تصور میکنم اگر خود آقای پیشنهادشان را مسترد فرمایند بهتر است.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد.

میرزا احمد خان بدر - بنده مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای بهبهانی قرائت میشود بعد ماده رأی میگیریم.

(پیشنهاد آقای بهبهانی بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - این اصلاح را آقای مخبر قبول کرده اند؟

وزیر عدلیه - آن چیزی را که بنده و آقای مخبر قبول کردیم این بود که بعد از متولی (قیم و ولی) نوشته شود و عبارت اینطور میشود: متولی و قیم و ولی و همچنین کسی که ممنوع از تصرف در مالی است نمی تواند مرور زمانی را که برای او حاصل شده اسقاط کند. گر چه این عبارت يك اشکالی دارد.

چون قیم و ولی اگر مرور زمانی نسبت بخودشان حاصل شود از تمامی خودشان ممکن است اسقاط کنند ولی برای کسی که تحت قیمومیت آنها است نمیتواند اسقاط کنند ولی روشن است یعنی متولی

بسیب با اموال موقوفه و هم چنین کسی که ممنوع از تصرف در مالی است نمیتواند مرور زمان را که برای او حاصل شده و قیم و ولی مرور زمانی که برای کسی که در تحت قیمومیت اوست حاصل شده نمیتواند اسقاط کنند.

رئیس - رأی میگیریم باین ماده بر حسب تقاضای آقای دادگر بدون کلمه ناموسی و اقربا آقابانیکه ماده را باین طور تصویب میکنند قیام فرمایند (جمعی کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود بماده بضمیمه قیم و ولی در سطر آخر بعد از متولی. آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده زیادی قیام کردند)

رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه پیشنهادی آقای بهبهانی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میبایم.

ماده الحاقیه - اشخاصی که مشمول قانون مرور زمان نیستند می توانند تا شش ماه بعد از اعلان این قانون دعاوی خود را در محاکم مقتضیه اظهار و تعقیب نمایند

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - چون آقایان فرمودند مختصر صحبت شود از این جهت بنده هم عرایضم را بنحو اختصار عرض میکنم ولی يك چیزی هست که من سن سنة حسنة این بجای خودش صحیح. ولی در هر حال بنده تصور میکنم قانون مرور زمان ملازم با ابطال يك حقوقی است حالا چون دولت با مساعدت مجلس همچو صلاح دانسته که بنا بر يك مقتضائی این ابطال حق بشود و نظر بجهانی این قانون را مجلس آورده از آن طرف هم همین دولت و مجلس باید متوجه باشند که حق المقدور کمتر این تضییع حق شود. البته اگر باکراهی باشد که بتوان کمتر از این تضییع حق شود نباید مضایقه

کرد که از همان راه داخل شد غرض این است حق الامکان باید يك کاری کرد که کمتر حقوق مردم تضییع شود. بنده با این پیشنهادی که تقدیم کرده ام اگر همین ترتیب تصویب شود بکن میکنم باز يك راه فراری باشد برای مردمی که از وضع این قانون و از این ترتیب امروز مجلس و تصویب و اجرای این قانون مطلع نیستند و يك دعاوی هم دارند. البته با این ترتیب يك راه نجات برای آنها فراهم خواهد بود. چون در این قانون نوشته شده بعد از تصویب بلافاصله بموقع اجرا گذارده خواهد شد. يك مردمی هستند شاید بواسطه يك قضائاتی چهل سال و دو ماه بالا گذشته و این بیچاره فقط بواسطه اینکه چند ماهی از مدت گذشته از استقبالی حق خودش مطابق این قانون محروم است.

خیلی اشخاص در ولایات مطلع نمیشوند و به تاخیر ممکن است بیفتند و با این ترتیب اسباب زحمت آنها خواهد بود. خود آقایان میفرمایند ما وقتی که بعد از مراجع کردیم دیدیم در محاکم عدلیه دعاوی که از مدت پیش چهل سال گذشته باشد خیلی کم است. با هیچ مطرح نشده با خیلی کم مطرح شده اگر هم واقعاً این طور باشد همین مسئله تأخیر عرض و نظریه بنده را میکند. در این جا مذاکراتی است راجع بمدت چهل سال. بیست سال شصت سال باشد. بنده تصور میکنم اگر این نظر بنده تأمین شود مدت هر قدر باشد ولو ده سال بیست سال هم باشد يك وسیله و راه نجاتی برای کسانی که واقعاً حق دارند خواهد بود راجع بدسیسه کاران فرمودند بنده عرض میکنم آنهایی که میخواهند دسیسه کنند همین حالا هم ممکن است دسیسه کنند دسیسه را باید با وسائل دیگری جلوگیری کرد این که بنده عرض میکنم راجع است بکسانی که واقعاً حق دارند و از وضعیت امروزه مجلس و این قانون اطلاعی ندارند و اگر این قانون همین ترتیب اجرا شود آنها زحمت میافتند از این جهت بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم حالا اگر آقایان لازم میدانند رأی میدهند و اگر اصلاحی لازم میدانند فرمایند و اگر هم رأی نمیدهند مختارند

مخبر - گرچه ایات نماینده محترم که مبتنی بر سهولت حال اشخاص است قابل تقدیر است ولی بنظر بنده اگر يك محاسبه در این پیشنهاد بشود معلوم خواهد شد مضراتی که از قبول این پیشنهاد حاصل میشود بمراتب زیادتر از فوایدش خواهد بود. برای اینکه قبول این پیشنهاد حقیقتاً در حکم باز کردن راه مخاصمه است بر روی تمام اهالی مملکت و این هم البته صلاح مملکت نیست. زیرا اصلاً قانون مرور زمان برای این وضع میشود که قسمت زیادی از مرافعات از بین برود و املاک متصرفی مردم استحکامش زیادتر و تثبیت شود بنا بر این بنده از آقای خواهش میکنم که پیشنهادشان را مسترد فرمایند رئیس - رای میگیرم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان بنده قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند)
رئیس - قابل توجه نشد. ماده الحاقیه دیگر پیشنهادی آقای فیروز آبادی (باین شرح خوانده شد)

املاکی که ثبت میشود اگر هزار تومان و کمتر ارزش داشته باشد سواى حق الثبت چیزی نباید بدهند از بابت اعلانات و مخارج اعلانات آن بمعهده دولت است رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده نظر بر فاهیت حال مردم این پیشنهاد را تقدیم کردم. و عقیده دارم املاکی که قیمتشان کم است صد تومان یا صد تومان یا هزار تومان قیمت دارد اگر اشخاص بخواهند این نوع املاک را که تا هزار تومان بیشتر قیمتش نیست ثبت کنند برای این که يك تخمیل فوق العاده نباشد همان حق الثبت را بدهند و دیگر از بابت مخارج اعلانات و غیره چیزی ندهند و این نوع مخارج بمعهده خود دولت باشد و اگر غیر از این باشد حقیقه اسباب زحمت مردم است زیرا اتفاق میافتد مثلاً يك ملکی که صد تومان قیمت دارد پنج هزار

حق الثبتش میشود در صورتیکه هفت هشت تومان قیمت اعلاناتش میشود و این فرع زائد بر اصل است. کسی حاضر نمیشود برای پنجقران حق الثبت هفت هشت تومان پول اعلانات بدهد باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم. از آقایان خواهش میکنم نگاه نکنند باین که بنده این پیشنهاد را کردم بلکه نظرشان مطلقاً به خیر و رفاه عامه باید باشد به بینید اگر خوب است قبول کنید و اگر هم نیست که هیچ

وزیر عدلیه - بنده کاملاً باین نظر آقای فیروز آبادی موافقم زیرا واقماً برای يك عده اسباب رفاه و آسایش است ولی عبارت محتاج باصلاح است. عبارت را اگر اصلاح کنند بنده قبول میکنم

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای رفیع هر ورقه که به ثبت رسید بیش از يك دفعه صدتیم نمی پردازد.

در دفعات بعد از نادیه صدی نیم تن نیاز است.
رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا رفیع - آقایان همه مستحضران که ما در این جا می خواهیم قانون ثبت اسناد بگذرانیم نه قانون مالیات گیری. در این مملکت که کارخانه نیست و مردم جز فلاحت کار دیگری ندارند و املاک مردم که در دستشان است باید محکم و ثابت باشد از این جهت ما خواستیم قانون ثبت املاک بگذرانیم ولی مالیات نمی خواهیم وضع کنیم اگر مقصود شان واقماً اخذ مالیات است صریحاً و آشکاراً بگویند اگر صلاح باشد ما رأی میدهیم و اگر صلاح نباشد رأی نمیدهیم. يك ملکی را امروز بنده میخرم و قبالة اش را به ثبت میرسانم فردا دو باره اگر بخواهم این را بفروشم دیگر موردی ندارد حق الثبت بدهم بعضی املاک و بعضی دکا کین است که اصلاً صاحبش قبالة ندارد مثلاً فرض بفرمایند بنده دکا کینی دارم که از اناء واجدادم

بمن رسیدند قبالة ندارم ولی اجازه نامه دارم که دلیل مالکیت من است خوب بنده برای هر دفعه اجازه دادن و اجازه گرفتن چند دفعه باید پول بدهم و به ثبت برسانم. غرض این است وقتی که يك دفعه ملکی باسم آدم در دفتر ثبت شد دیگر لزومی ندارد دفعات دیگر که خرید و فروش میشود باز دو باره ثبت شود ملکی را که بنده میفروشم و ثبت کرده ام فقط باید بروم بداره ثبت اسناد و اظهار کنم: آقای این ملك دیگر از حالا به بعد مال من نیست و مال آقای است دیگر دو باره نباید پول بدهم. و الا اگر غبراز این باشد این يك مالیات خواهد بود که ما در تحت این عنوان وضع کرده ایم

وزیر عدلیه - بفرمایید يك مرتبه دیگر بخوانند (دو باره بضمون فوق خوانده شد)

وزیر عدلیه - اجازه بفرمایید توضیحی عرض کنم اگر مقصود آقایان این است که اداره ثبت اسناد همینیکه يك ملکی را ثبت کرد دیگر چیزی نگذرد و متصل می نقل و انتقال دهد آنوقت این سالی يك ملیولی که خرجش میشود از کجا جبران خواهد شد؟ اگر مقصود این است؟ این عملی نیست. شما وقتی که می خواهید يك ملکی را بفروشید یا بخرید البته باید حق الثبت بدهید و اگر غیر از این باشد شما با اینکه معتقدید این اداره در سراسر مملکت بسط پیدا کند و يك ملیون هم مخارجش میشود آنوقت این عملی نیست و برخلاف مقصودی است که دارید. ولی ممکن است این طور قرار داده شود که در دفعه اول صد نیم بدهد ولی برای دفعات دیگر صدی ربع بدهد باین ترتیب تعرفه را باین بیاریم و تقلیل بدهیم این يك نظری است. ولی اگر بخواهیم ثبت اسناد را در تمام مملکت رسمی کرده در دسترس عموم بگذاریم آنوقت قائل شویم باینکه وقتی که يك دفعه ثبت کرد دیگر برای نقل و انتقالات بعد چیزی نگذرد این نمیشود. و چنانچه عرض کردم تنها کاری که ممکن است بکنیم این است که نسبت به انتقالات

بعد تعرفه را صدی ربع کنیم. حاج آقا رضا رفیع - بنده با این نظر موافقت میکنم مشروط بر اینکه ایشان هم با آن پیشنهاد در روز بنده که قبول نکردند موافقت فرمایند که صدی ربع باشد. این را به پیشنهاد بنده اضافه فرمایند و رای بگیریید.

رئیس - پیشنهاد آقای افسر (بضمون ذیل خوانده شد) هر ورقه که يك مرتبه صدی نیم را بعنوان حق الثبت پرداخت در مراتب دیگر صدی ربع تومانی نیمشاهی خواهد پرداخت

وزیر عدلیه - بنده موافقم
مخبر - بنده قبول میکنم ضمناً نظر آقای رفیع هم تا این میشود

حاج آقا رضا رفیع - صحیح است ماده الحاقیه پیشنهادی آقای استرابادی (باین شرح خوانده شد)
ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم:

در مواردی که محاکم عدلیه به نسیك این قانون رسیدگی بدعوا میکنند مشمول جمله (ه) از ماده ۱۴۵ اصول محاکمات حقوقی است و ارجاع به محضر شرع میشود تبصره - در صورت صدور حکم از محضر عدلیه مکلف باجراء و تصحیح دفاتر ثبت املاک است
رئیس - آقای معتمد استرابادی

معتمد استرابادی - در این دو جلسه که این قانون در مجلس شورای ملی مطرح است يك حرف هائی در اطراف این قانون زده شده راجع به مشروع بودن و عدم مشروعیت آن. بنده از اشخاصی بودم که توانسته بودم نظرم را با مشروعیت این قانون وفق دهم ولی پس از توضیحات حضرت آقای مدرس يك قسمت از نظریات بنده نامین شد ولی در این قسمت چون مسلم است که ماحق نداریم حق کسی را اسقاط کنیم (این قسمت محرز و مسلم است)

ولی حالا که محاکم عدلیه باین قبیل دعاوی رسیدگی نمیکند و علت اینست که ما این قانون را می گذاریم این است که مقدم برای عدلیه مقدور نیست دعاوی از چهل سال قبل را به بپردازد حالا که این بطور است و رسیدگی نمیکند و از طرفی هم نمیتوانیم ما اسقاط حق کسی را بکنیم پس در این موارد خوب است برای اینکه رقم هرگونه حرفی شده باشد عدلیه این نوع دعاوی را محاضر شرع ارجاع کنند و مشمول ماده ۱۴۵ قانون اصول محاکمت شود. بنده برای استحضار خاطر آقایان ماده ۱۴۵ قانون اصول محاکمت را میخوانم و تذکر میدهم ماده ۱۴۵ موارد ذیل را محاکم عدلیه به محضر عدول مجتهدین ارجاع خواهند کرد. چند مورد است که یکی از آنها مورد (ه) است که بطور حروف ابجد نوشته شده و حاکی از موردی است که قطع و فصل خصومت جز باقاعه شهود و بینه طور دیگر ممکن نیست این مورد دعاوی پیش از چهل سال هم ضرری ندارد که یکی از موارد این ماده ۱۴۵ باشد که مختص بمحاضر شرع باشد و بنده تصور میکنم اگر این ماده بر تریبی که بنده پیشنهاد کرده ام اصلاح و تصویب شود یعنی در مواردی که محاکم عدلیه به تمسک این قانون بدعاوی پیش از چهل سال رسیدگی نمی کنند اقلاً ارجاع به محضر کنند که قضیه بحلف و احواف خانم پیدا کنند خیلی خوب و جمع بین تمام نظریات است

مخبر - بنظر بنده معلوم میشود آقای معتضد به بیانات حضری آقای مدرس توجهی فرمودند اولاً در هیچ مملکتی حق بک دعوائی قابل اسقاط نیست منتهی صحبت این است که دعاوی که مدت آن از چهل سال گذشته باشد برای محاکم عدلیه اصلاح آن بی وجه مقدور نیست و عدلیه هیچ عنوان الزامی ندارد که در این قبیل دعاوی اقدام و مداخله کند و تکلیفی ندارد که محضر شرع بفرستد یا فرستد البته هر کس میل دارد در حدود قوانین مملکتی برود بمحاضر شرع

و متداعین خودشان حاضر باشند کسی مانع نیست مطلب این است که عدلیه این الزام را ندارد نه از نقطه نظر قانون و نه از نقطه نظر شرعی برای عدلیه مقدور نیست که در این قبیل دعاوی رسیدگی نماید این است که باز استدعا دارم آقای پیشنهادشان را مسترد نفرمایند.

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانند که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد. ماده الحاقیه پیشنهادی آقای امامی (بابنطور قرائت شد)

ماده الحاقیه - ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه - راجع به ثبت اموال غیر منقول که قبل از تصویب این قانون تقاضای ثبت آنها شده است در صورتیکه چهارمین اعلان منتشر شده باشد مدت اعتراض مطابق قانون سابق چهار ماه خواهد بود

رئیس - آقای امامی

امامی - بنده توضیح زیادی ندارم. بطوری که خاطر آقایان مستحضر است بک اشخاصی هستند که قبل از تصویب این قانون تقاضای ثبت املاک خودشان را کرده اند. بموجب قانون سابق مدت اعتراض چهار ماه بوده ولی بموجب این قانون پنج ماه است اگر پس از تصویب این قانون در باره اشخاصی که سابقاً تقاضای ثبت کرده اند بخواهیم همین پنج ماه را قائل شویم تصور میکنم بک ظلمی نسبت بآنها خواهد بود از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم که مدت نسبت بآن اشخاص همان چهار ماه باشد

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم آقایان در این مسئله موافقت خواهند کرد برای اینکه همانطور که گفته شد بک عدلیه قبل از این قانون تقاضای ثبت کرده اند و در جریان است و هنوز چهار اعلان آن منتشر نشده

ولی بک قسمتی چهار مرتبه اعلان نسبت بآنها منتشر شده نسبت باین عده اگر بخواهیم مدت طولانی قائل شویم البته اسباب زحمت آنها خواهد بود از این جهت بنده با پیشنهاد ایشان موافقت میکنم

مخبر - بنده هم موافقت میکنم. چون نسبت بیک املاکی که تقاضای ثبت شده و چهارمین اعلانش منتشر شده نسبت باین قسمت باید مطابق قانون سابق رفتار کرد یعنی مدت همان چهار ماه باید باشد این بک توضیحی است و الا اساساً قانون شامل سابق نمیشود از این جهت بنده این پیشنهاد را قبول کردم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده (بشرح آتی خوانده شد)

ماده الحاقیه - حق الثبت معاملاتی که نسبت باملاک ثبت شده واقع میشود از قرار صدی ربع خواهد بود کلالی - صدی ربع از بک مقصود است یکی از نمایندگان - این پیشنهاد همان است که سابقاً شده بود و آقای مخبر هم قبول کردند

رئیس - آقای رفیع پیشنهاد کرده اند در موقع خودش رای گرفته می شود پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا محمدولی میرزا - پیشنهاد بنده هم عین پیشنهاد آقای حاج آقا رضا است

رئیس - پیشنهاد آقای بیات بیات - بنده هم مسترد میدانم

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای فیروز آبادی که آقای مخبر قبول کردند قرائت میشود و رای میگیریم (بشرح سابق خوانده شد)

فیروز آبادی - بک اصلاحی در این جا لازم است از (هزاره کمتر) مقصود این است هزار را هم شامل باشد

رئیس - اصلاح آقای ضیاء نسبت به پیشنهاد آقای فیروز آبادی قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میشود که بآخر ماده الحاقیه پیشنهادی آقای فیروز آبادی علاوه شود: و همچنین مؤسسات خیریه از پرداخت حق الثبت و اعلانات معاف میباشند

رئیس - آقای ضاء

ضیاء - آقایان همیشه توجه دارند که مؤسسات خیریه و مریضخانه بک اعانت هائی بشود از این جهت امیدوارم آقای وزیر عدلیه هم موافقت با قبول این قسمت بفرمایند

رئیس - آقای مخبر

مخبر - متأسفانه بنده این پیشنهاد را نمیتوانم قبول کنم برای اینکه بک راهها و ابوابی باز میشود که اسباب اختلال این کار را فراهم خواهد آورد

رئیس - رای میگیریم. آقایانیکه پیشنهاد آقای ضیاء را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (ممدودی قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد

ماده الحاقیه آقای فیروز آبادی (مضمون ذیل خوانده)

در مورد ثبت املاکی که قیمت آن کمتر از هزار تومان است فقط حق الثبت نوماتی بک شاهی دریافت میشود و مخارج اعلان آن بمهده دولت خواهد بود

رئیس - آقایانیکه این ماده الحاقیه را تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای حاج آقا رضا رفیع (باین عبارت خوانده شد)

ماده الحاقیه - برای هر ورقه که به ثبت رسیده بیش از بک دفعه صدی نیم پرداخت نمیشود و در دفعات بعد حق الثبت صدی ربع از بک دریافت میگردد

بکنفر از نمایندگان - همان صدی ربع کفایت میکند

رئیس: آقایان! منبر را بجمع به پیشنهاد آقای حاج آقا زکریا اصلاحی پیشنهاد کرده اند قرائت میشود...

(مضمون ذیل خوانده شد)

در مورد ثبت نقل و انتقال که نسبت باملاک ثبت شدی بعمل میاید فقط نومان نیم شاهی حق الثبت دریافت خواهد شد...

رئیس: رأی گرفته میشود باین ماده که ماده ۷ است آقایانیکه موافقت قیام فرمایند در...

(رای اکثر نمایندگان بر خاستند)

رئیس: تصویب شد ماده الحاقیه آقایانیکه آقای منبر قبول کرده اند...

(رای اکثر نمایندگان بر خاستند)

راجع باملاک که قبل از تصویب این قانون تقاضای ثبت آنها شده است در صورتیکه چهارمین اعلان منتشر شده است مدت اعلان مطابق قانون سابق چهار ماه خواهد بود

رئیس: رای میگیریم ماده هشتم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند...

(رای اکثر نمایندگان بر خاستند)

رئیس: تصویب شد ماده نهم...

(رای اکثر نمایندگان بر خاستند)

ماده ۹ - وزارت عدلیه مأمور اجرای این قانون است

وزیر عدلیه - خوب است اضافه بفرمائید در ارتین عدلیه و عالیله مأمور اجرای این قانون نخواهند بود

مدرس - چه ضرورتی دارد؟

وزیر عدلیه - برای اینکه عایدات داره...

رئیس: آقا حاج آقا رضا...

حاج آقا: بنده رفیع عرض میکنم اگر دولت این لایحه میگیرد بولید بفرماید بپندد اظهاری نمیکردم اما...

چون مسئله پول در کار است که عدلیه باید بکتر در به مالیه بدهد آنچه را که در حدود کار عدلیه است باید مسئول بود مأمور اجرا باشد در آن قسمتی هم که راجع بحالیات است و باید بحالیه برود باید وزیر مالیه مأمور اجرا باشد و همینطور که خود آقای وزیر هم پیشنهاد اظهار کتوند باید بعقیده بنده وزارت مالیه هم ضمیمه شود...

رئیس: مالیه هم ضمیمه میشود

(ماده نهم بشرح ذیل خوانده شد)

وزارتین عدلیه و مالیه مأمور اجرای این قانون خواهند بود

رئیس: آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(رای اکثر نمایندگان بر خاستند)

رئیس: تصویب شد مذاکرات راجع بکلیات است مخالفی ندارد

(گفته شد خبر)

رئیس: رای گرفته میشود باین قانون آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس: تصویب شد

بعضی از نمایندگان خیم جلسه

وزیر عدلیه: بنده تصور میکنم بلکه یقین دارم آقایان راضی خواهند شد که نیم ساعت زود تر غذا بخورند ولی يك كاري كه خیلی لازم است همینطور باید وضعیت عدلیه امروز طوری بود که ذغال نداشته بخوب است باندازه بیست ساعت آقایان تامل بفرمایند و این يك ماده مالی این مسئله را هم بگذرانند که خیلی موقع خواهد بود مخصوصاً روی سخن بنده به آقایان و کلام اولیای است که بمن فشار میآوردند...

رئیس: آقای فیروز آبادی ختم جلسه را پیشنهاد کرده اند

فیروز آبادی: چون یکساعت و نیم از ظهر گذشته و اگر بخواهیم چیزی را مطرح کنیم باز مدتی طول خواهد کشید از این جهت بنده عقیده دارم که جلسه ختم شود و اگر مطلبی هست بماند برای جلسه بعد

رئیس: آقای دادگر

دادگر: عرض میکنم تصویب مواد این قانون و اجرای آن مستلزم داشتن پول و تصویب مواد مالی است و الا مثل این است که يك كسي را بدون اسلحه و حازه بچنگ بفرستیم باید يك رتبی کرد که وزیر

عدلیه قادر بعمل کردن این قانون شود

رقی که ما قانونی را وضع کردیم البته باید وسائل و موجبات عملی کردن آنرا هم از لحاظ قسمت مالی فراهم کنیم بعلاوه پنج شش دقیقه هم بیشتر کار ندارد خوب است آقایان تامل بفرمایند و این ماده را هم بگذرانند

(در این موقع جمعی از نمایندگان از مجلس خارج شدند)

وزیر عدلیه: بنده تصور میکنم کرسنگی کاری باقیان کرده که نمیتوانند بیش از این صبر کنند حالا که اینطور است بماند برای فردا

جلسه یکساعت و ربع از ظهر گذشته ختم شد

قانون

ثبت عمومی املاک و مرور زمان

مصوب ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۶

ماده اول - کلیه اموال غیر منقول اعم از املاک مزروعی و مستغلات و غیره باید در دفتر ثبت املاک ثبت شود

در نقاطی که اداره ثبت اسناد موجود است از تاریخ تصویب این قانون تا سه سال و در سایر نقاط از تاریخ افتتاح اداره ثبت املاک در هر حوزه ثبت تا سه سال کلیه اشخاصیکه بعنوان مالکیت متصرف املاک واقع در آن حوزه هستند باید تقاضای ثبت نمایند و چنانچه کسی در ظرف پنج ماه از تاریخ اولین اعلان تقاضای ثبت نسبت بتقاضای مزبور اعتراضی نکرد ملکیت که ثبت آن تقاضا شده است در دفتر املاک قطعا ثبت و دیگر نسبت بان از طرف احدی اعتراضی پذیرفته نخواهد شد و اداره ثبت املاک سند مالکیت رسمی ملک را صادر خواهد کرد و همچنین اگر معترض در ظرف دو ماه از تاریخ تقدیم اعتراض بدون عذر موجه آنرا در محاکم صالحه تعقیب نکرد و یا پس از تعقیب در مدت دو ماه آنرا مسکوت گذاشت حق اعتراض او ساقط و اداره ثبت املاک باید سند مالکیت رسمی را صادر نماید

اداره ثبت املاک بدون نقشه بر داری سند مالکیت تقاضا کننده را با همان حدود که تقاضا شده و مورد اعتراض واقع نگردانده صادر میباید

حق الثبت در سه سال اول که فوقا ذکر شد صدی نیم [نومانی بکشاهی] خواهد بود که نصف آن در حین تقاضای ثبت و نصف دیگر در حین صدور سند مالکیت باید تادیه شود در سال چهارم حق الثبت صدی يك و برای هر سال تاخیر صدی يك علاوه خواهد شد

تقاضای ثبت راجع با املاک متصرفی دولت بعهده اداره عالیله و نسبت باملاک و مؤسسات بلدی و خیریه بعهده رئیس

مؤسسه و در موقوفات بمهده متولی و در مورد املاک محجورین بمهده ولی باقیم آن میباشد
تبصره ۱ - تقاضا کننده باید قیمت ملك را از روی قبالة و یا ده برابر ثلث عایدات خالص سه سال
اخیر معین نماید.

تبصره ۲ - برای آگاهی عامه اداره ثبت املاک در موقع تشکیل در هر حوزه و بعد سالی یکمرتبه تا
سه سال باید هیئت مرکب از سه تا پنج نفر معتمدین محل و سه نفر از مأمورین مهم آن حوزه تشکیل دهند که
بوسیله اعلان و ابلاغ و جار اهالی حوزه ثبت را از این قانون مطلع سازند

ماده دوم - عایدات حاصله از اجرای این قانون در درجه اول صرف توسعه ادارات ثبت و اضافه آن صرف
توسعه تشکیلات قضائی مملکت خواهد شد

ماده سوم - مدت مرور زمان نسبت به قبل از تصویب این قانون از تاریخ منشاء دعوی چهل سال
شمسی است.

صاحب دعوی میتواند هرگاه از تاریخ منشاء دعوی کمتر از چهل سال گذشته از بقیه مدت تا چهل سال
شمسی استفاده کند باین ترتیب؛ در هر دعوائی نسبت بعین غیر منقول که بعنوان مالکیت در تصرف کسی است
هرگاه تاریخ منشاء و سبب تولید دعوی چهل سال شمسی یا زیاده قبل از تصویب این قانون بوده و در مدت
چهل سال شمسی هم در هیچیک از محاکم وقت اقامه نشده بتقاضای مدعی علیه که باید تا اعلان ختم محاکمه در مرحله
ابتدائی بعمل آید محکمه قرار منع تعقیب دعوی را خواهد داد و هرگاه تاریخ منشاء و سبب تولید دعوی کمتر از
چهل سال شمسی باشد ناخامنه چهل سال شمسی پذیرفته خواهد شد

مدت مرور زمان راجع بدعای نسبت بعین غیر منقول که پس از تصویب این قانون تولید میشود از تاریخ
منشاء دعوی بیست سال است

تبصره - در مرحله استینافی فقط وقتی میتوان از مرور زمان استفاده کرد که از حکم غیابی استیناف
شده باشد.

ماده چهارم - با ابراد مرور زمان خواه قبل از رسیدگی بدعوی و خواه در ضمن رسیدگی اظهار شود
محکمه مکلف است علیحده رسیدگی کرده قرار صادر نماید و اینقرار خواه مبنی بر رد ابراد باشد و خواه مبنی بر قبول
مستقلا قابل استیناف و تمیز است و مادامی که تکلیف قرار در مراحل استیناف و تمیز معین نشود محکمه ابتدائی
رسیدگی را بتاخیر خواهد انداخت

طلبکاران و ضامن مدعی علیه میتوانند در صورتیکه عدم استناد مدعی علیه بمروور زمان موجب ضرر آنها
باشد وارد دعوی شده بمروور زمان استناد نمایند

در صورتیکه مدعی علیه اقرار بمالکیت مدعی نماید مدت مرور زمان قطع میشود و همچنین است اگر مدعی علیه
در سندی که بخط یا امضاء مسلم اوست اقرار بمالکیت مدعی کرده و از تاریخ سند مدت مرور زمان نگذشته باشد
ماده پنجم - مرور زمان بر علیه کسانی که بعلت خطر جانی یا ناموسی و یا بعلت مخاطره در اموال خود یا
اقرباء نزدیک خود نتوانستند اقامه دعوا نمایند جاری نمیشود مگر بعد از زوال مانع

مرور زمان بر علیه کسانی که در تحت ولایت هستند مثل صغیر و مجنون و سفیه جاری نمیشود
زوج و زوجه نمیتوانند نسبت بیکدیگر از مرور زمان مزبور در ماده سوم استفاده نمایند نسبت باملاک